



ماہنامہ وثقہ قوانین و مقررات

سال اول، شمہ چهارم، مرمہ ۱۳۸۸

معاونت آموزش قوه قضائیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۷
بخش اول: قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی	۱۱
۱. قانون اصلاح ماده (۱) قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی مصوب ۱۳۸۶.....	۱۳
۲. قانون فروش و انتقال پادگانها و سایر اماکن نیروهای مسلح به خارج از حریم شهرها.....	۱۳
۳. اصلاحیه [قانون جرایم رایانه‌ای].....	۱۶
۴. قانون اصلاح ماده (۲۲) قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران.....	۱۶
بخش دوم: آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری	۱۹
۱. رأی شماره ۲۰۶ درخصوص افزایش حقوق کارکنان و بازنشستگان دولت.....	۲۱
۲. رأی شماره‌های ۳۴۹، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵ درخصوص قطع رابطه کارکنان قراردادی شرکتی با وزارتخانه ذیربط و انتقال مجدد آنان و جاهت قانونی ندارد.....	۲۴
۳. رأی شماره ۴۸۸ در خصوص ابطال قسمت (ب) بند ۱۵۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی.....	۳۳
۴. رأی شماره‌های ۵۲۵ و ۵۲۶ درخصوص اعتراض به رأی قطعی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری.....	۳۵
بخش سوم: استفتائات قضایی و نظریات مشورتی	۳۹
الف : استفتاء	۴۱
۱. استفتاء ۷۰۹۵: ضمان یا عدم ضمان نسبت به فوت در پی ایراد صدمه.....	۴۱
۲. استفتاء ۷۱۰۶: حدود نفوذ تصرفات و کیل.....	۴۲
۳. استفتاء ۷۰۴۶: عدم جواز اشتراط ضمان درک مبیع.....	۴۴
۴. استفتاء ۷۱۱۵: ثبوت خیار غبن در انواع بیع.....	۴۵
۵. استفتاء ۷۱۱۶: ادعای چهل نسبت به اسقاط خيارات.....	۴۶
ب : نظریات مشورتی	۴۷
۱. جواز عدول دادستان از قرار صادره توسط معاون دادستان.....	۴۷
۲. مقررات حاکم بر اعتراض به قرارهای دادر.....	۴۸
۳. مسؤولیت مدنی و کیفری مدیران و کارکنان ادارات راه و ترابری در صورت وقوع حوادث رانندگی.....	۴۹
۴. حاکمیت مقررات ق. آ. د. م در رسیدگی به دعاوی حقوقی مربوط به چک.....	۵۰
۵. عدم تسری حکم ازدواج و طلاق به فوت از حیث عدم درج در المثنای شناسنامه.....	۵۱
۶. مبنا بودن قانون استفاده از بی‌سیم‌های اختصاصی و غیر حرفه‌ای مصوب ۱۳۴۵ بر اخذ غرافت.....	۵۱
۷. قابل مطالبه نبودن خسارت از خسارت.....	۵۲
۸. صلاحیت دادگاه عمومی در رسیدگی به جرایم مربوط به روان گردان.....	۵۳
۹. قابل استماع بودن دعوی مطالبه قیمت روز ملک موضوع ملک شهرداری.....	۵۳

۱۰. کفایت دستور آداری دادستان برای آازه خروج از کشور برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال در صورت عدم دسترسی به ولی یا قیم.....	۵۴
۱۱. لزوم فسخ قرار تعلیق در محکومیت‌های متعدد.....	۵۵
۱۲. زمان شروع مهلت یک سال و نیم برای اجرای حکم علیه دولت.....	۵۵
۱۳. جایز نبودن تبدیل مجازات در جرایم مربوط به مواد مخدر.....	۵۶
۱۴. قانونی نبودن تشکیل جلسه دادگاه در صورت عدم حضور دادستان یا نماینده وی.....	۵۶
۱۵. عدم صلاحیت شورای حل اختلاف نسبت به دعاوی نفقه، مهریه و جهیزیه.....	۵۷
۱۶. اقامه دعاوی اعسار از پرداخت قبل از انقضای مهلت پرداخت.....	۵۸
۱۷. ملغی شدن تأمین کیفری به محض شروع اجرای حکم.....	۵۸
۱۸. مانع بودن جرایم عمدی متعدد از تعلیق مجازات، حتی در صورت عدم تعدد جرم از انواع مختلف.....	۵۹
۱۹. چگونگی تعیین میزان و مساحت اراضی تغییر کاربری داده شده.....	۵۹
۲۰. عدم شمول مادتین ۳ و ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری نسبت به کارکنان بانکهای خصوصی، صندوق‌های قرض الحسنه و مؤسسات اعتباری.....	۶۰
بخش چهارم : مصوبات هیأت وزیران	۶۱
۱. افزایش مستمریهای موضوع آیین‌نامه اجرایی ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت و کلاء و کارگشایان دادگستری	۶۳
۲. اساسنامه سازمان ملی زمین و مسکن.....	۶۳
۳. آیین‌نامه روان‌سازی و سلامت ترانزیت خارجی کالا از کشور	۷۵
۴. الحاق تبصره‌های (۱) تا (۵) به ماده (۳۶) آیین‌نامه اجرایی قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران	۸۰
۵. تصویب‌نامه درخصوص تأمین امکانات لازم سازمان بنادر و دریانوردی در بنادر کشور جهت حضور ۲۴ ساعته گروه پاس کشتی‌ها	۸۱
۶. آیین‌نامه اجرایی بند (۲۷) قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور	۸۲
۷. آیین‌نامه اجرایی قانون جلوگیری از خردشدن اراضی کشاورزی و ایجاد قطعات مناسب فنی و اقتصادی - مصوب ۱۳۸۵-.....	۸۴
۸. تصویب‌نامه درخصوص تعیین تعرفه ثبت‌نام دریافتی از داوطلبان شرکت در آزمونهای سازمان سنجش آموزش کشور سال ۱۳۸۹	۹۱
۹. الحاق تبصره (۳) به ماده (۴۱) آیین‌نامه اجرایی حمل و نقل جاده‌ای مواد خطرناک	۹۳
بخش پنجم : مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران	۹۵
اصلاح مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرحهای جامع شهرهای با جمعیت کمتر از ۱۰۰،۰۰۰	
نفر	۹۷
ضمیمه	۱۰۳
فهرست موارد حذف شده از شماره‌های مهرمآه روزنامه رسمی.....	۱۰۵
نظرخواهی	۱۱۳

۱- نیازهای اطلاع‌یابی قنات:

قوانین و مقررات ابزار کار قاضی و حقوقدان است. تغییر مستمر و پرشتاب قوانین و مقررات امری محتوم است و مقاومت در مقابل آن چاره‌ساز نیست. بر این اساس باید ساز و کاری مستقر کرد تا «اطلاع‌یابی قنات» از تغییر قوانین و مقررات با سهولت و سرعت لازم و با امکان بازیابی سریع اطلاعات فراهم شود.

۲- تحول در مدل‌های اطلاع‌رسانی و اطلاع‌یابی:

تا این نیاز «اطلاع‌یابی قنات» از تغییرات قوانین و مقررات با روشیایی که قریب به یک قرن از آن می‌گذرد «نصیمی‌بین» نیست. چرا که در حال حاضر شاخه علمی جدیدی در حوزه کتابداری با نام «علم اطلاع‌رسانی»^۱ ایجاد شده است و از مسلمات این رشته علمی آنست که طراحی و ارائه «خدمات اساعه اطلاعات»^۲ باید متناسب با نیاز مخاطبان باشد و از منطقی‌پژوهشی تبعیت کند.

۱. مزینانی، علی، کتابخانه و کتابداری، سمت، چاپ دوم، ص ۱۳۱.

۲. درآمدی بر کتابداری، ص ۱۱.

۳- پژوهشهای انجام شده:

کتابخانه مرکزی قوه قضائیه به عنوان یکی از زیرمجموعه های معاونت آموزش قوه قضائیه دو تحقیق در این زمینه به انجام رسانده است. در تحقیق اول «رفار اطلاع یابی قضات از تغییر قوانین و مقررات» به پژوهش گذاشته شده است و در تحقیق دوم «وضعیت سنجی توزیع روزنامه رسمی در سطح کشور» بررسی شده است. نتایج حاصل از این پژوهش ها حاکی از آن است که:

اولاً: روزنامه رسمی با تأخیر به فناوریهای نوین تحول زیادی برای انجام مأموریت های سازمانی داشته است. ثانیاً: ارسال نسخه کاغذین روزنامه رسمی برای اطلاع رسانی تغییرات قوانین و مقررات از نظر اثربخشی با تردیدهایی مواجه است.

برخی از این تردیدها عبارتند از:

- یک بار مصرف بودن نسخه های کاغذین روزنامه رسمی
- عدم امکان بایگانی آسان و بازیابی سریع اطلاعات
- ضعف مکانیزم اطمینان از وصول روزنامه رسمی به مصرف کننده
- انبوهی و تراکم روزنامه ها در طول یک یا چند سال که مشکل نگهداری آنها را پدید می آورد.
- هزینه سنگین ناشی از تولید و توزیع شماره های مختلف از روزنامه مزبور در سطح کشور

ناتثا: بر بنای پژوهش و بررسی انجام شده طراحی و انتشار «کتابچه تعصیر قوانین و مقررات» به صورت «پی‌آیند» مورد تأیید قرار گرفته است.

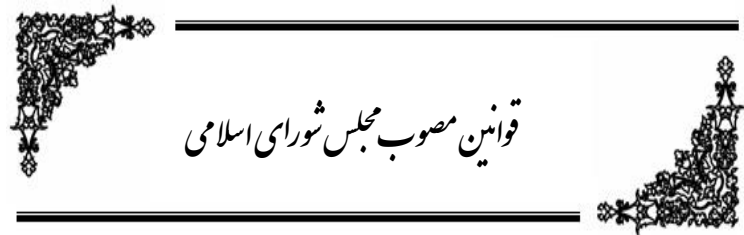
۴- مجموعه پیش رو:

بر این اساس مجموعه حاضر با عنوان «ماهنامه ویژه قوانین و مقررات» به عنوان ضمیمه نشریه پیام آموزش تهیه شد و اینک به صورت آزمایشی در سطح کشور عرضه می‌شود. از کلیه صاحب نظران و قضات فرهیخته تقاضا دارد با ارائه نظر و پیشنهاد خود در انجام این مأموریت مهم ما را یاری نمایند. در همین زمینه فرم نظر بنجی نیز در صفحات پایانی این کتابچه ضمیمه شده است. امیدواریم با کسب نظر صاحب نظران بتوانیم خدمتی شایسته تر ارائه کنیم. بون الله تعالی

محمد درویش زاده

مدیرکل برنامه ریزی و تدوین
متون آموزشی

بخش اول:



قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی

۱. قانون اصلاح ماده (۱) قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی

مصوب ۱۳۸۶

ماده واحده - ماده (۱) قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی مصوب ۱۳۸۶/۵/۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

« ماده ۱- نرخ، رسیدگی و تشخیص، مطالبه، وصول و نحوه توزیع عوارض واحدهای تولیدی آلاینده محیط زیست همچنان براساس مفاد تبصره (۱) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی در این زمینه انجام خواهد شد. این قانون از تاریخ ۱۳۸۷/۷/۱ لازم‌الاجراء است.»

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ هفدهم شهریور ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۲۴ به تأیید شورای نگهبان رسید.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۱۴ مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۱)

۲. قانون فروش و انتقال پادگانها و سایر اماکن نیروهای مسلح به خارج از حریم شهرها

ماده ۱- وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مکلفند با درخواست ستاد کل نیروهای مسلح، دولت یا شهرداری‌ها (از طریق وزارت کشور) و در صورت موافقت فرماندهی کل قوا نسبت به فروش (از طریق مزایده یا توافق) و انتقال پادگان‌ها و سایر اماکن تحت تملک از محدوده شهرها به خارج از حریم آنها با توافق وزارت مسکن و شهرسازی یا شهرداری‌ها و یا سایر دستگاه‌های اجرائی اقدام نمایند. در ارتباط با اراضی وقفی نیز مطابق قوانین مربوطه عمل می‌شود.

تبصره - اماکن نیروهای مقاومت بسیج، ناجا، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمانهای وابسته و تابعه آن و سپاه انصار (به جز پادگان‌های آموزشی، مراکز تولید سلاح و مهمات و زاغه‌های مهمات آنها) و مراکز علمی، پژوهشی، درمانی رفاهی و منازل مسکونی

نیروهآی مسلح و همچنین ستاد کل، ستادهآی فرماندهی کل سپاه و ارتش و ستادهآی نیروها از موضوع این ماده مستثنی می‌باشند. در موارد اختلافی نظر ستاد کل نیروهآی مسلح حاکم است.

ماده ۲- وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهآی مسلح و یا نیروی مسلح مربوطه برای عرصه پادگانها و سایر اماکن مشمول این قانون که پیش از تصویب این قانون فاقد سند و بدون معارض بوده، اقدام به اخذ سند مالکیت نموده و در صورت صدور سند مالکیت، مطابق این قانون عمل خواهدشد.

ادارات ثبت اسناد و املاک و سایر مراجع ذی‌ربط موظفند برابر مقررات مربوطه با درخواست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهآی مسلح و یا نیروهآی مسلح اقدام لازم را جهت صدور اسناد مذکور به عمل آورند.

ماده ۳- به وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها و سایر دستگاه‌های اجرائی اجازه داده می‌شود با هماهنگی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهآی مسلح و نیروهآی مسلح کشور، عرصه و اعیان پادگانها و سایر اماکن موضوع این قانون را به قیمت کارشناسی روز خریداری و یا برای جابه‌جایی توافق نمایند. ارزش زمین به صورت تفکیک نشده سی و پنج درصد (۳۵٪) ارزش کاربری مسکونی تفکیک شده و همجوار املاک موضوع خریداری یا توافق، منظور خواهدشد.

طرح شهرسازی اراضی مذکور به منظور تأمین سرانه کاربریهای عمومی شهری مورد نیاز منطقه حداقل چهار درصد (۴۰٪) و نیز تأمین منابع مالی موردنیاز برای انتقال مذکور، در اراضی کمتر از ده هکتار باید به تصویب کمیسیون ماده (۵) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۲ و در اراضی با مساحت بیش از آن به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران برسد.

ماده ۴- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و ادارات تابعه موظفند نسبت به تجمیع و تفکیک اراضی مذکور و همچنین صدور اسناد مالکیت جدید برابر قوانین و مقررات مربوطه اقدام نموده و حقوق و عوارض قانونی حسب مورد طبق احکام برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌های آتی وصول خواهدشد.

ماده ۵ - وزارت جهاد کشاورزی مکلف است در موارد جابه‌جایی موضوع این قانون، زمین مناسب موردنیاز جهت احداث پادگان یا اماکن جایگزین و حریم آنها را مطابق معیارها و مقررات نیروهای مسلح واگذار نماید.

ماده ۶ - منابع موردنیاز برای خرید عرصه‌های موضوع این قانون هر ساله بنا به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی یا دستگاه اجرائی مربوطه، از محل اعتبار پیش‌بینی شده در قوانین بودجه سنواتی و تسهیلات اعتباری و بانکی و یا فروش اوراق مشارکت تأمین می‌شود. همچنین درآمد حاصل از فروش املاک مذکور و معاوضه حسب مورد به منظور تأمین تمام یا بخشی از بهای خرید به حساب خزانه واریز و صددرصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی یا دستگاه اجرائی قرار می‌گیرد. بازپرداخت اعتبارات دریافتی از منابع بانکی، از محل درآمد مذکور تأمین می‌شود.

ماده ۷ - در مواردی که منابع حاصله کفاف ایجاد پادگان و تأسیسات مشابه را در زمین تعیین شده ننماید، دولت می‌تواند باقیمانده اعتبار مورد نیاز را با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی کند. در این صورت جابه‌جایی پس از احداث پادگان و تأسیسات آن (متناسب با محل تخلیه‌شده) صورت می‌پذیرد.

ماده ۸ - وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و نیروهای مسلح موظفند درآمد حاصل از اجراء این قانون را به حساب خزانه که ردیف آن در قانون بودجه سالیانه پیش‌بینی می‌گردد واریز و به منظور احداث اماکن جایگزین در خارج از محدوده و حریم شهرها هزینه نمایند. این اعتبار صددرصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته تلقی می‌شود.

قانون فوق مشتمل بر هشت ماده و یک تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ اول شهریور ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۱۴ مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۱)

۳. اصلاویه^۱ [قانون جرایم رایانه‌ای]

با عرض پوزش از خوانندگان محترم به استحضار می‌رساند، عطف به نامه شماره ۷۱۰۶۳ مورخ ۱۳۸۸/۴/۱۰ درخصوص انتشار قانون جرایم رایانه‌ای منتشره در روزنامه رسمی به شماره ۱۸۷۴۲ مورخ ۱۳۸۸/۴/۱۷ متأسفانه^۲ در سطر اول بند (ب) ماده ۲۰ عبارت «حبس باشد»، در سطر اول تبصره یک ماده ۲۱ عبارت «تارنماهای»، در سطر دوم ماده ۲۲ عبارت «دادستانی کل کشور»، در بند (ج) ماده ۴۱ کلمه «باشد» و در سطر اول ماده ۴۴ عبارت «یا سامانه‌های» صحیح می‌باشد که بدین وسیله اصلاح می‌گردد.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۱۸ مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۵)

۴. قانون اصلاح ماده (۲۲) قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری

اسلامی ایران

ماده واحده - ماده (۲۲) قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۴/۱۲/۲۲ - به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

«ماده ۲۲- مسؤولیت صدور گواهینامه رانندگی، اسناد مالکیت و پلاک خودرو در قلمرو جمهوری اسلامی ایران بر عهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و وظیفه ترجمه و تبدیل گواهینامه‌های رانندگی معتبر صادر شده توسط نیروی انتظامی و سایر اسناد و مدارک مذکور به مدارک بین‌المللی وفق مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی سال‌های ۱۳۲۸ هجری شمسی (۱۹۴۹ میلادی) و ۱۳۴۷ هجری شمسی (۱۹۶۸ میلادی) حمل و نقل جاده‌ای و حسب عرف بین‌المللی و مقررات حاکم بر تمامی کشورهای عضو سازمان بین‌المللی جهانگردی (AIT) و فدراسیون بین‌المللی اتومبیلرانی (FIA) بر عهده قانون جهانگردی و اتومبیلرانی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.»

۱. این اصلاحات در شماره تیرماه این ماهنامه در قسمت پاورقی پیش بینی شده و تذکر داده شده بود.

۲. به نظر می‌رسد کلمه «متأسفانه» زاید است.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ هفدهم شهریور ماه یک‌هزار و سیصد و هشتاد و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۷ به تأیید شورای نگهبان رسید.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۲۲ مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۰)

بخش دوم:

آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

۱. رأی شماره ۲۰۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص افزایش حقوق کارکنان و

بازنشستگان دولت

تاریخ دادنامه: ۱۳۸۸/۳/۳

شماره دادنامه: ۲۰۶

کلاس پرونده: ۴۳۸/۸۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: سازمان بازنشستگی کشوری.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۲۱ و ۲۲ دیوان عدالت اداری. مقدمه: الف - شعبه بیست و دوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۱۸۴/۸۶ موضوع شکایت آقای محمود پورمومن اعرابی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته عدم اجرای بند (ک) تبصره ۱۹ قانون بودجه سال ۱۳۸۶ و ماده ۱۵۰ قانون برنامه چهارم به شرح دادنامه شماره ۴۴۴ مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۸ چنین رأی صادر نموده است، مشتی عنه اعلام داشته است، افزایش حقوق از وظایف دولت بوده است و از طرفی چون دولت به موجب تصویب نامه شماره ۱۱۰۰۸/ت/۳۷۱۵ هـ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۸ افزایش حقوق بازنشستگان را معادل ۵ درصد پیش بینی نموده لذا برابر تصویب نامه این سازمان به وظیفه خود عمل نموده است و النهایه خواستار رد شکایت گردیده است. با عنایت به مراتب دعوی نظر به اینکه اولاً، بند ۲ تصویب نامه شماره ۱۱۰۰۸/ت/۳۷۱۵ هـ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۸ به موجب رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۵۵۱-۱۵۰۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ ابطال گردیده است. ثانیاً، قوانین مصوب مجلس برای کلیه سازمانها و نهادهای ذیربط لازم الاجراء بوده و جهت اجرای آنها مجوز دیگری ضرورت ندارد که این امر نیز در لایحه دفاعیه مشتی عنه صراحتاً مورد اشاره قرار گرفته است، بنابراین با ابطال بند ۲ مصوبه فوق الاشعار و با عنایت به صراحت ماده ۱۵۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور لزوم تبعیت از قانون امری الزامی است، هرچند که در فرض عدم ابطال مصوبه با توجه به صراحت اصل ۱۷۰ قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران تکلیف و وظیفه قضات در تبعیت از تصویب‌نامه‌های خلاف قانون معین گردیده است. علاوه بر آنکه با عنایت به اصل ظاهر و اصل تبادر مفاد ماده ۱۵۰ قانون مارالذکر به هیچ دلالت دیگری به غیر از افزایش حقوق بازنشستگان متناسب با نرخ تورم ندارد و از طرفی معنای عرفی و لغو اصطلاحی تناسب نیز چیزی به افزایش حقوق به میزان افزایش تورم نمی‌باشد که هر ساله از جانب بانک مرکزی اعلام می‌گردد. بنابراین شکایت شاکی وارد تشخیص و به استناد ماده ۱۵۰ قانون فوق‌الذکر مواد ۱۳ و ۲۲ قانون دیوان عدالت اداری و رأی وحدت رویه صدرالاشاره حکم بر الزام مشتکی عنه به افزایش حقوق شاکی از اول سال ۱۳۸۶ متناسب با نرخ تورم صادر و اعلام می‌گردد. ب - شعبه بیست دوم دیوان رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۲۱۸/۸۶ موضوع شکایت آقای رحمت‌اله نبوی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته اضافه شدن حقوق ۱۳۸۶ و طبق برنامه چهارم توسعه به شرح دادنامه شماره ۵۵۶ مورخ ۱۳۸۷/۳/۸ چنین رأی صادر نموده است، با عنایت به اینکه اجرای خواسته شاکی خارج از حیطه اختیارات قانونی سازمان طرف شکایت می‌باشد و انجام خواسته نیاز به ابلاغ مصوبات یا صدور بخشنامه از طرف هیأت وزیران دارد، لذا شکایت را فاقد پشتوانه قانونی دانسته با اجازه حاصله از مواد ۷ و ۲۲ قانون دیوان عدالت اداری رأی به رد شکایت صادر و اعلام می‌نماید. ج - شعبه بیست و یکم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۵۷/۸۷ موضوع شکایت آقای بیژن صمصامی به طرفیت سازمان بازنشستگی کشوری به خواسته الزام سازمان بازنشستگی کشوری به اصلاح حکم کارگزینی شاکی در سال ۱۳۸۶ از افزایش حقوق از ۸ درصد به ۱۳/۵ درصد و اجرای بند (ک) تبصره ۱۹ بودجه ۱۳۸۶ به شرح دادنامه شماره ۵۲۸ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه افزایش حقوق سالیانه براساس تورم از اختیارات هیأت دولت می‌باشد و همان طور که شاکی در دادخواست استناد نموده هیأت دولت بر اساس تصویب‌نامه شماره ۱۱۰۰۸ ت ۳۷۱۵۰ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۸ مبادرت به افزایش میزان حقوق کارکنان نموده است و لذا چنانچه حقوق شاکی بر اساس مصوبات هیأت وزیران تضييع شده است، باید از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخواست ابطال آن را نماید و افزایش حقوق بازنشستگی از اختیارات سازمان بازنشستگی نمی‌باشد و به‌همین

لحاظ سازمان خوانده نسبت به دعوی خواهان ایراد نموده و دعوی را متوجه خود نمی‌داند. علیهذا با توجه به دفاع خوانده دعوی خواهان متوجه خوانده نمی‌باشد، مستنداً به آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و بند ۴ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی با رعایت ماده ۴۸ قانون دیوان عدالت اداری به لحاظ عدم توجه دعوی به سازمان بازنشستگی قرار ردّ دعوی صادر و اعلام می‌گردد. هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل در تاریخ فوق تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

«رأی هیأت عمومی»

الف - تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق‌الذکر محرز بنظر می‌رسد. ب - هرچند حکم مقرر در ماده ۱۵۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ و بند (ک) تبصره ۱۹ قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور مبین تکلیف دولت در افزایش حقوق کارکنان و بازنشستگان دولت براساس ضوابط قانونی مربوط است، لیکن با عنایت به اینکه سازمان بازنشستگی کشوری جزئی از دولت به شمار می‌رود که مسئولیت برقراری و افزایش حقوق بازنشستگی و مستمری ازکارافتادگی و بازماندگان مستخدمان بازنشسته را به عهده دارد، بنابراین شکایت به کیفیت مطروحه متوجه سازمان بازنشستگی کشوری است و دادنامه شماره ۴۴۴ مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۸ شعبه بیست و دوم دیوان در حدی که متضمن این معنی است صحیح و قانونی می‌باشد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۱۲ مورخ ۱۳۸۸/۷/۸)

۲. رأی شماره‌های ۳۴۹، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص

قطع رابطه کارکنان قراردادی شرکتی با وزارتخانه ذیربط و انتقال مجدد آنان و جاهت

قانونی ندارد

تاریخ: ۱۳۸۸/۴/۲۸

شماره دادنامه: ۳۴۹، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵

کلاس‌ه پرونده: ۳۴۹/۸۸، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۵، ۲۷۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقایان ۱- عادل فلاح ۲- رامین مرادی ۳- صابر راعی صوقیان ۴- ابراهیم

حاجی‌لی.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری.

گردشکار: الف - شعبه دهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس‌ه ۱۳۹۱/۸۴ و ۱۰۰۸/۸۵ موضوع شکایت آقای محمدحسین بیگلو به طرفیت جهاد کشاورزی استان آذربایجان غربی به خواسته ابطال حکم انتقال به جهاد نصر و بازگشت به جهاد کشاورزی و استخدامی رسمی به شرح دادنامه‌های شماره ۱۵۳۵ - ۱۵۳۶ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۴ چنین رأی صادر نموده است، با بررسی محتویات پرونده و لایحه دفاعیه مشتکی‌عنه به شماره ۱۱۰۳/۲۴۰۳۵ مورخ ۱۳۸۴/۸/۲۱ خواسته خواهان موجه است زیرا در انتقال شاکی از جهاد کشاورزی به شرکت نصر رضایت وی اخذ نشده است. وی دارای شرایط تبدیل از قراردادی به رسمی را مطابق بخشنامه شماره ۲۳۰۲/ص مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱ داشته است، نسبت به وی اعمال نشده است و دلیلی نیز بر عدم شرایط نامبرده ارائه نگردیده است و مشتکی‌عنه دلیلی به لغو قرارداد با شاکی نیز ارائه نکرده است. با توجه به ماده ۳۹ قانون اداری و مالی جهاد به لحاظ سابقه طولانی می‌بایست به استخدام رسمی تبدیل وضعیت داده می‌شد، بنابه مراتب حکم به ورود شکایت و الزام مشتکی‌عنه به اجابت خواسته فوق‌الذکر شاکی صادر و اعلام می‌گردد. ب - شعبه سوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس‌ه ۳۶۱۸/۸۳ موضوع شکایت آقای یونس مربوباری به

طرفیت جهاد سازندگی آذربایجان غربی به خواسته بازگشت به جهاد کشاورزی و تغییر وضعیت از قراردادی به رسمی به شرح دادنامه شماره ۳۷۰۷ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۷ چنین رأی صادر نموده است، مفاد لایحه جوابیه طرف شکایت مبین آن است که به موجب صورتجلسه مورخ ۱۳۷۱/۹/۲ و بخشنامه شماره ۴۸۸۵/۱۸۰/۲ مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۱ معاونت اداری مالی تعداد ۲۰۶ نفر از پرسنل رسمی مأمور و ۲۲۶ نفر از افراد قراردادی شرکت ماشین آلات جهاد سازندگی که بعداً به شرکت جهاد نصر استان تغییر نام یافته منتقل گردیده‌اند و شاکی پرونده که از جمله افراد قراردادی بوده به علت انعقاد قرارداد با مؤسسه نصر قرارداد مشارالیه با جهادسازندگی وقت لغو گردیده بنابه مراتب باتوجه به قطع رابطه استخدامی انعقاد قرارداد مجدد با وی مقدور نمی‌باشد و شکایت به کیفیت مطروحه موجه نیست و رد می‌شود.

ج - شعبه چهارم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۰۰۶/۸۵ موضوع تجدیدنظرخواهی آقای یونس مروباری نسبت به دادنامه شماره ۳۷۰۷ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۷ شعبه سوم به شرح دادنامه شماره ۲۳۴ مورخ ۱۳۸۶/۲/۳۰ چنین رأی صادر نموده است، با عنایت به رأی وحدت رویه و لازم‌الاتباع شماره ۴۱۳ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که به لزوم کسب موافقت مستخدم در امر انتقال تأیید دارد و اینکه در پرونده لایحه دفاعیه طرف شکایت دلیل و مدرکی دال بر کسب موافقت تجدیدنظرخواه بر انتقال وی به شرکت جهاد نصر باشد، ملاحظه نمی‌شود و از طرفی بر اساس رویه و دستورالعمل‌های حاکم بر زمان اشتغال تجدیدنظرخواه از جمله بخشنامه شماره ۲۳۰۲/ص/۱۰ مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱ جهاد سازندگی، شاکی شرایط و استحقاق تبدیل وضعیت از قراردادی به رسمی را داشته است، لذا با وارد دانستن تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواه و فسخ دادنامه صادره از شعبه بدوی حکم به ورود شکایت شاکی و الزام خوانده به بازگرداندن شاکی به محل اولیه خدمت و تبدیل وضعیت ایشان به رسمی صادر و اعلام می‌گردد. د - شعبه چهاردهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۳۷۷/۸۴ موضوع شکایت آقای موسی وجدی به طرفیت سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان غربی به خواسته اعاده به کار و تغییر وضع قراردادی به رسمی به شرح دادنامه شماره ۲۴۹۸ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۴ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه خواهان از

کارکنان قراردادی جهاد سازندگی شهرستان میاندوآب بوده که پس از تشکیل شرکت جهاد نصر استان در سال ۱۳۷۱ به این شرکت منتقل و پس از انقضای قرارداد به جهاد سازندگی مبادرت به تنظیم قرارداد اشتغال به کار در شرکت مذکور نمود و در واقع اشتغال به کار در این شرکت را با رضایت خود پذیرفته و به موجب حکم کارگزینی پیوست دادخواست اکنون در زمره کارکنان ثابت شرکت جهاد نصر آذربایجان غربی قرار دارد و با انقضای آخرین قرارداد منعقد با جهاد سازندگی رابطه فیما بین قطع و امکان تجدید آن وجود نداشته مگر با تجدید قرارداد و ماده ۶ آیین‌نامه مقررات استخدامی و نحوه پرداخت حقوق و مزایای همکاران قراردادی وزارت جهاد سازندگی قابل اجرا از ۱۳۷۲/۸/۱ استخدام رسمی دارندگان ۸ سال سابقه را در صورت وجود پست ثابت سازمانی و با رعایت شرایط و ضوابط در اولویت قرار داده که بر فرض وجود پست و تحقق شرایط و ضوابط امری الزامی نمی‌باشد به علاوه مشارالیه در سال ۱۳۷۱ به شرکت جهاد نصر منتقل و آیین‌نامه استنادی از ۱۳۷۲/۸/۱ قابل اجرا بوده و قابل استناد نسبت به وضع او نمی‌باشد، بنا به مراتب مذکور و قطع رابطه قراردادی به لحاظ انقضای مدت و میسر نبودن اعاده به خدمت در سازمان خوانده و نظر به اینکه تبدیل وضع مستخدم قراردادی بر فرض استمرار رابطه قراردادی به رسمی آزمایشی مستلزم وجود شرایط لازم و اخذ مجوز از مرجع صلاحیتدار است و جنبه الزامی ندارد، بنابراین دادخواست مطروحه غیرموجه تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌شود. ه - شعبه یازدهم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۷۴۸/۸۵ موضوع تجدیدنظرخواهی آقای موسی وجدی نسبت به دادنامه شماره ۲۴۹۸ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۴ شعبه چهارم به شرح دادنامه شماره ۸۱۹ مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۴ چنین رأی صادر نموده است، اولاً، موضوع انتقال از جهاد سازندگی به شرکت جهاد نصر که به نظر می‌رسد با موافقت تجدیدنظرخواه صورت نگرفته چون انتقال با کسب موافقت مستخدم صورت نگرفته با در نظر گرفتن رأی ۴۱۲ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در مقام رأی وحدت رویه که لازم‌الاتباع و عمل می‌باشد اثبات لزوم کسب موافقت مستخدم را می‌نماید. ثانیاً، مستخدم با مدنظر قرار دادن بخشنامه ۲۳۰۲/ص/۱۰ مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱ دارای شرایط تغییر وضعیت و تبدیل وضعیت از قراردادی به رسمی می‌باشد، چرا که دلیلی در پرونده

مشهود و ملحوظ نظر قرار نگرفت که مسقط حق اکتسابی و مسلم مستخدم باشد، بنا به مراتب معروضه و سوابق خدمتی و شرایط حاصله در امر تغییر وضعیت از قراردادی به رسمی حکم به ورود شکایت و تجدیدنظرخواهی صادر و دادنامه بدوی نیز نقض می گردد. و- شعبه چهاردهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۴۶۴/۸۴ موضوع شکایت آقای احمد صمدی به طرفیت سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان غربی به خواسته اعاده به سازمان خواننده از شرکت جهاد نصر و تبدیل وضع قراردادی به رسمی به شرح دادنامه شماره ۱۷۶۳ مورخ ۱۳۸۵/۸/۱۰ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه خواهان به عنوان مستخدم قراردادی اشتغال به کار در جهاد سازندگی داشت که منتقل به شرکت جهاد نصر گردیده و با انعقاد قراردادهای یکساله در این شرکت ادامه کار داد و هم اکنون به عنوان مستخدم ثابت حکم کارگزینی پیوست دادخواست در شرکت یاد شده مشغول به خدمت است و نظر به اینکه مأمور به خدمت شدن کارکنان قراردادی منطبق بر مقررات استخدامی نمی باشد و فاقد مجوز قانونی است و اعاده به خدمت در سازمان جهاد کشاورزی به لحاظ فقدان رابطه استخدامی قراردادی یا پیمانی یا خرید خدمت یا رسمی با این سازمان میسر و ممکن نمی باشد و تبدیل وضع قراردادی به رسمی در این سازمان هم نتجتاً منتفی است، بنابه مراتب مذکور دادخواست مطروحه غیر موجه تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می گردد. ز- شعبه دوم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۰۲/۸۶ موضوع تقاضای تجدیدنظر آقای احمد صمدی به خواسته تجدیدنظر در دادنامه شماره ۱۷۶۳ مورخ ۱۳۸۵/۸/۱۰ شعبه چهاردهم به شرح دادنامه شماره ۱۵۳۳ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۲ اسناد و مدارک و مکاتبات مشمولین جهاد کشاورزی و جهاد نصر همگی حکایت از عدم قطع رابطه کارکنان انتقالی به جهاد نصر با سازمان جهاد کشاورزی دارد و با عنایت به اینکه مطالب مندرج در لایحه جوابیه سازمان خواننده با مفاد اسناد و مدارک موجود مطابقت ندارد و شعبه، تجدیدنظرخواهی را وارد دانسته و دادنامه معترض عنه را مخدوش تشخیص داده است. ح- شعبه یازدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۲۹۱/۸۳ موضوع شکایت آقای نقدعلی پیری به طرفیت جهاد کشاورزی به خواسته بازگشت به جهاد کشاورزی و تغییر وضعیت از قراردادی به رسمی به شرح دادنامه شماره ۱۰۵۹ مورخ ۱۳۸۴/۶/۲ چنین رأی صادر

نموده است، قطع رابطه کاری وی با سازمان جهاد کشاورزی محرز است و با عنایت به شخصیت حقوقی مستقل جهاندنصر که شاکای با وی قرارداد منعقد نموده است، شکایت وی را غیر صحیح تشخیص و رأی به رد شکایت صادر و اعلام می‌نماید. ط - شعبه نهم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۳۴۳/۸۴ موضوع تجدیدنظرخواهی آقای نقدعلی پیری نسبت به دادنامه شماره ۱۰۵۹ مورخ ۱۳۸۴/۶/۲ به شرح دادنامه شماره ۴۱۹ مورخ ۱۳۸۵/۳/۳۰ چنین رأی صادر نموده است، اولاً تجدیدنظرخوانده بدون هماهنگی و اذن، اقدام به انتقال شاکای به جهاندنصر نموده و آن زمان جهاندنصر نیز جزء جهاد بوده و حال دارای تشکیلات جداگانه‌ای گردیده است. ثانیاً تجدیدنظرخوانده مدرک و دلیلی در رابطه با لغو قرارداد تجدیدنظرخواه ارائه ننموده و بر فرض آن لغو یک جانبه از وجاهت قانونی برخوردار نبوده است. ثالثاً نظر به سابقه طولانی تجدیدنظرخواه در جهاد سازندگی سابق و با توجه به ماده ۳۹ قانون اداری مالی جهاد دایر بر اینکه اشخاصی که توسط جهاد مورد پذیرش و استخدام قرار می‌گیرند پس از سپری شدن دوره آزمایشی که حداکثر مدت آن دو سال می‌باشد به استخدام جهاد در می‌آیند و تجدیدنظرخواه تا سال ۱۳۷۱ در جهادسازندگی بوده و متعاقب آن در جهاندنصر مأموریت یافته و در نهایت با جهاد نصر قرارداد منعقد نموده است، بنابه مراتب استحقاق شاکای نسبت به مورد خواسته محرز و مسلم نبوده و تضییع حق تجدیدنظر و حقوق مکاتبه وی مجوز قانونی نداشته و ندارد. لذا با وارد دانستن اعتراض ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته رأی به ورود شکایت مبنی بر بازگشت به جهاد کشاورزی و تغییر وضعیت از غیر رسمی به رسمی صادر و اعلام می‌شود. ی - شعبه بیست و یکم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۰۹۷/۸۳ موضوع شکایت آقای غلامرضا اسمعیلی مرجانیان به طرفیت جهاد کشاورزی استان آذربایجان غربی به‌خواسته بازگشت به جهاد کشاورزی و تغییر وضعیت قراردادی به رسمی در سازمان به‌شرح دادنامه شماره ۱۱۷۷ مورخ ۱۳۸۵/۸/۲۸ چنین رأی صادر نموده است، نظر به‌اینکه انتقال شاکای از جهاد کشاورزی وقت به مؤسسه جهاد نصر و تغییر وضعیت استخدامی مشارالیه که البته می‌بایست با حفظ سنوات قبلی خدمت همراه باشد، براساس جواز قانونی موضوع ماده واحده قانون الحاق بندهای ۱۱ و ۱۲ به قانون فهرست نهادهای و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب

۱۳۷۶/۳/۱۱ صورت گرفته است و تخطی از قوانین و مقررات در اقدام اداره طرف شکایت ملحوظ نمی‌باشد و مضافاً با وصف انتقال مذکور تکلیفی از جهت اعاده نمودن و تبدیل وضعیت استخدامی شاکی متوجه اداره مشتکی عنه نمی‌باشد، علیهذا ضمن پذیرش دفاعیات طرف شکایت حکم به رد شکایت را صادر و اعلام می‌دارد. ک - شعبه چهارم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۰۴۲/۸۵ موضوع تجدیدنظرخواهی آقای غلامرضا اسمعیلی نسبت به دادنامه شماره ۱۱۷۷ مورخ ۱۳۸۵/۸/۲۸ به شرح دادنامه شماره ۲۷۴ مورخ ۱۳۸۶/۳/۵ چنین رأی صادر نموده است، انتقال قهری تجدیدنظرخواه از جهاد سازندگی آذربایجان غربی به جهاد نصر بدون موافقت یادشده واقع و در نتیجه غیرقانونی و مغایر دادنامه شماره ۴۱۲ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری می‌باشد از این رو ضمن نقض دادنامه بدوی حکم به ورود شکایت از این حیث صادر می‌نماید. درخصوص رسمی نمودن مشارالیه که در متن دادخواست اولیه وی عنوان می‌گردد ولیکن در شعبه بدوی و در حکم صادره در آن التفات نشده و درحقیقت با عدم پاسخ گوئی به موضوع توسط تجدیدنظرخوانده تصمیم نسبت به آن اتخاذ نمی‌شود و قطع نظر از آنکه مشمول تعدد در بیان خواسته‌ها می‌باشد که رسیدگی توأم نسبت به آن در حال حاضر و بدون اتخاذ تصمیم نسبت به موضوع انتقال وجهی نداشته است، این شعبه تکلیفی به اظهار نظر در این خصوص نداشته تجدیدنظرخواه به پیگیری موضوع دادنامه حاضر و سپس پیگیری تقاضای رسمی شدن در جهاد ارشاد می‌نماید. ل - شعبه پانزدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۱۱۰/۸۲ موضوع شکایت آقای احمد راستگو به طرفیت سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی به خواسته الزام سازمان به اعاده به کار سابق به لحاظ پایان مأموریت در جهاد نصر و بازگشت و اشتغال به کار در شغل قبل از مأموریت در جهاد آذربایجان غربی ارومیه به شرح دادنامه شماره ۱۶۸۵ مورخ ۱۳۸۴/۸/۲۸ چنین رأی صادر نموده است، اداره کل سازمان متبوع به شرح جوابیه ۲/۵/۲۳۳۹۵ مورخ ۱۳۸۲/۹/۱۰ اقدام سازمان جهاد مشتکی عنه به صدور ابلاغ مأموریت کارکنان شاغل در کارگاهها و ماشین آلات در موسسه جهاد نصر را مستند به بخشنامه شماره ۲/۱/۱۸۰/۴۸۸۵ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۸ معاونت اداری و مالی وزارتخانه متبوعه دانسته و در خصوص برگشت به سازمان و انعقاد قرارداد مجدد

با نامبرده به استناد بخشنامه شماره ۱۳۸۰/۱۸۰/۲ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۴ معاون اداری و مالی وقت مقدور ندانسته و خواستار هرگونه تصمیم مقتضی گردیده‌اند. علی‌هذا این شعبه دیوان عدالت اداری با عنایت به مراتب معروضه و مفاد شکایت شاکی و امعان نظر به جوابیه سازمان مشتکی عنه که تلویحاً و بطور ضمنی بازگشت شاکی به محل خدمت سابق در سازمان ذیربط را ناممکن ندانسته و با لحاظ انقضای مهلت مأموریت محوله به شاکی و با اعلام موافقت رئیس اداره ارتباطات دفتر وزارتی جهاد کشاورزی مبنی بر انتقال وی منعی در پذیرش خواسته شاکی متصور و مشهود نمی‌باشد، در نتیجه با عدم دفاع موثر و موجهی از سوی سازمان خوانده این قسمت از شکایت شاکی مبنی بر بازگشت به محل کار سابق یعنی جهاد کشاورزی ارومیه را مقرون به اجابت تشخیص و مستنداً به شق (پ) بند یک از ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکی به انتقال به سازمان جهاد کشاورزی ارومیه صادر و اعلام می‌دارد و اما جهت خواسته دیگر شاکی مبنی بر مطالبه و احتساب ۶ سال بیمه معوقه خود علیه سازمان مشتکی عنهما ۱- مدیریت جهاد کشاورزی و تأمین اجتماعی نظر به اینکه راجع به همین خواسته سابقاً در پرونده کلاسه ۸۲۷/۸۲ طی دادنامه شماره ۱۳۳۲ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵ از جانب این شعبه حکم به ورود شکایت شاکی به پرداخت حق بیمه سنوات مورد تأیید اشتغال شاکی و متعاقب آن تأمین اجتماعی به پذیرش و احتساب سوابق بیمه‌ای وی صادر و محکوم گردیده‌اند منصرف از رسیدگی و اظهارنظر مجدد می‌باشد. م - شعبه چهاردهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۴۶۵/۸۴ موضوع شکایت آقای سیف علی شمس‌گورچین قلعه به طرفیت سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان غربی به‌خواسته اعلام اتمام مأموریت و تغییر وضع قراردادی به رسمی به شرح دادنامه شماره ۲۸۴ مورخ ۱۳۸۶/۳/۱۲ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه قرارداد کار خواهان با شرکت جهاد نصر استان از تاریخ ۱۳۷۲/۱/۱ شروع و ادامه پیدا کرد و طبق حکم کارگزینی صادره از این شرکت به شماره ۸۴۰۴۶۸ مورخ ۱۳۸۴/۳/۲۸ خواهان در زمره کارکنان ثابت این شرکت می‌باشد و شروع قرارداد کار با موافقت و امضای خواهان صورت گرفت و با شروع این قرارداد که بعداً تبدیل به وضع ثابت گردید رابطه قراردادی مستخدم با سازمان جهاد کشاورزی خاتمه پیدا نمود و قطع گردید و اساساً

مأموریتی پس از ایجاد قرارداد کار در بین نبوده تا خاتمه آن اعلام گردد و به لحاظ عدم وجود رابطه اعم از قراردادی یا غیره آن بین خواهان و خوانده الزامی بر تبدیل وضع موجود ندارد زیرا تبدیل وضعیت قراردادی به رسمی مستلزم وجود رابطه قراردادی است که منتفی است، بنابراین دادخواست مطروحه غیرموجه تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌گردد.

ن - شعبه نهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۲۹۶/۸۴ موضوع شکایت آقای قلی احمدی به طرفیت سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی به خواسته اعتراض به خاتمه مأموریت و عدم اجرای آیین‌نامه و بخشنامه‌های صادره در مورد کارکنان قراردادی به شرح دادنامه شماره ۵۱۳ مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۵ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه ادله موجهی که موجبات قانونی برای پذیرش ادعای شاکی را فراهم نماید ارائه و تحصیل نگردید از طرفی تخطی یا تخلفی از مقررات قانونی و ضوابط مربوط در فعل مشتکی‌عنه مشهود و ملحوظ نمی‌باشد و از این حیث ایرادی بر اقدامات و تصمیمات سازمان طرف شکایت مترتب نیست، لذا دفاعیات واصله را مقرون به صحت تلقی و بنا به مراتب یاد شده شکایت مطروحه را غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌نماید. ص - شعبه نهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۸۵۶/۸۶ موضوع شکایت آقای ابراهیم حاجی‌لی به طرفیت، سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی به خواسته بازگشت به سازمان جهاد و تغییر وضعیت اشتغال از قراردادی به رسمی به شرح دادنامه شماره ۲۶۷ مورخ ۱۳۸۷/۱/۲۸ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به ماده واحده لایحه قانونی الحاق بندهای ۱۱ و ۱۲ به قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳ که مقرر نموده کلیه اعضای رسمی جهاد سازندگی در مؤسسات جهاد نصر و... به موسسات و شرکتهای مذکور منتقل شوند. نظر به اینکه اقدام مذکور تغییر ساختار سازمانی و انتقال شاکی به موجب قانون محقق شده است لهذا تخطی از قوانین و مقررات در اقدام اداره طرف شکایت ملحوظ و مشهود نبوده شعبه بر این اساس شکایت مطروحه را غیر وارد تشخیص، حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌نماید. ع - شعبه هشتم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۱۶/۸۵ موضوع شکایت آقای صابر راعی صوقیان به طرفیت سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی به خواسته بازگشت به کار قبلی و الزام به تغییر وضعیت استخدامی

به شرح دادنامه شماره ۲۰۶۵ مورخ ۱۳۸۷/۱/۳۰ چنین رأی صادر نموده است، با عنایت به دفاعیات موجه و مستدل دستگاه طرف شکایت طی لایحه دفاعیه و با التفات به اینکه شاکی از نیروهای قراردادی بوده و با انعقاد قرارداد جدید با جهاد نصر قرارداد قبلی وی فسخ شده محسوب می شود و با فسخ قرارداد هیچ گونه مجوزی جهت بازگشت به کار قبلی وجود نداشته، علیهذا حکم به رد شکایت مطروحه صادر و اعلام می گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

«رأی هیأت عمومی»

الف - تعارض در مدلول دادنامه های فوق الذکر محرز بنظر می رسد. ب - نظر به اینکه شاکیان در عداد کارکنان قراردادی سازمان جهاد کشاورزی استان آذربایجان غربی بوده اند که به تبع انتقال محل خدمت و کلیه اموال و وسایل و وظایف و مسئولیتهای مربوط، به شرکت جهاد نصر منتقل شده اند و در عداد کارکنان قراردادی شرکت اخیرالذکر قرار گرفته اند، بنابراین با قطع رابطه استخدامی آنان با جهاد کشاورزی، انتقال مجدد آنان به جهاد کشاورزی و تبدیل وضعیت استخدامی نامبردگان به مستخدم رسمی و جاهت قانونی ندارد و دادنامه شماره ۲۸۴ مورخ ۱۳۸۶/۳/۱۲ شعبه چهاردهم و دادنامه های شماره ۲۶۷ مورخ ۱۳۸۷/۱/۲۸ و شماره ۵۱۳ مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۵ شعبه نهم مبنی بر رد شکایت شاکیان در این خصوص صحیح و موافق قانون است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۱۲ مورخ ۱۳۸۸/۷/۸)

۳. رأی شماره ۴۸۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال قسمت (ب) بند ۱۵۱

مجموعه بخشنامه‌های ثبتی

تاریخ: ۱۳۸۸/۶/۱۵

شماره دادنامه: ۴۸۸

کلاس پرونده: ۵۱۶/۸۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای حسن میرزا طلوعی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمت (ب) بند ۱۵۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در قسمت (ب) بند ۱۵۱ بخشنامه‌های ثبتی مقرر داشته، چنانچه به علل مختلف زوج در مقام ازدیاد مهریه زوجه برآید، این عمل باید به موجب اقرارنامه رسمی صورت گیرد که در دفترخانه اسناد رسمی به ثبت برسد. دفاتر اسناد رسمی به استناد همین بخشنامه با تنظیم اقرارنامه ثبتی به طور غیرشرعی مهریه‌ها را افزایش می‌دهند که اغلب موجب تزلزل ارکان خانواده‌ها و ارزشهای آن را فراهم می‌سازد. با عنایت به اینکه مهریه از فروعات عقد بوده و بر اساس قوانین شرع مقدس اسلام، هرگونه افزایش در میزان مهریه مستلزم فسخ نکاح و جاری شدن مجدد صیغه عقد دائم و تحقق ایجاب و قبول طرفین می‌باشد، بخشنامه مذکور مغایر موازین شرعی است. لذا به علت این مغایرت تقاضای ابطال آن را دارد. سرپرست دفتر حقوقی و امور بین‌الملل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۸۷/۱۳۹۷۰۳ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۹ ضمن ارسال تصویر نامه شماره ۸۷/۱۱۶۳۰۱ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۳۰ اداره کل امور اسناد و سردفتران اعلام نموده‌اند، با عنایت به مفاد نامه مذکور و همچنین قسمت (ب) از بند ۱۵۱ مجموع بخشنامه‌های ثبتی تا اول مهر ماه سال ۱۳۶۵ که اشعار می‌دارد، «چنانچه به علل مختلف زوج در مقام ازدیاد مهریه زوجه برآید این عمل باید به موجب اقرارنامه رسمی صورت گیرد که در دفترخانه اسناد رسمی به ثبت می‌رسد...» و مستنداً به ماده ۱۹۰ قانون مدنی قصد طرفین و رضایت آنها جهت کاهش و یا افزایش مهریه

شرط اقدام نمایند. در نامه اداره کل امور اسناد و سردفتران سازمان ثبت نیز چنین آمده است، قسمت (ب) بند ۱۵۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی، ماهیتاً براساس اصل آزادی اراده انسانها و قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» با در نظر گرفتن اینکه مهریه در عقد دائم از ارکان عقد نیست و همچنین با رعایت شرایط ماده ۱۹۰ قانون مدنی تنظیم یافته است و نه در جهت حکم به افزایش مهریه پس از تنظیم عقد کما اینکه زوجین با استفاده از همین اصل و قاعده، بعضاً در جهت کاهش میزان مهریه ما فی‌القباله فی‌مابین خود پس از عقد نیز اقدام می‌نمایند و منع و جلوگیری از اعمال چنین حقوق مسلمی، مغایر با مبانی محرز و شناخته شده مذکور است، هرچند که این حقوق را می‌توان به نحو بیع یا صلح هم اعمال نمود. لذا قسمت (ب) بند ۱۵۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی با قوانین و مقررات موضوعه مغایرت ندارد. دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن قسمت (ب) بند ۱۵۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی، طی نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۵۰۷۹ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۲ اعلام داشته‌اند، مهریه شرعی همان است که در ضمن عقد واقع شده است و ازدیاد مهر بعد از عقد شرعاً صحیح نیست و ترتیب آثار مهریه بر آن خلاف موازین شرع شناخته شد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

«رأی هیأت عمومی»

به شرح نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۵۰۷۹ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۲ فقهای محترم شورای نگهبان «مهریه شرعی همان است که در ضمن عقد واقع شده است و ازدیاد مهر بعد از عقد شرعاً صحیح نیست و ترتیب آثار مهریه بر آن خلاف موازین شرع شناخته شد.» بنابراین جزء (ب) از قسمت ۱۵۱ بخشنامه‌های ثبتی که نتیجتاً مبین امکان افزایش مهریه به شرط تنظیم سند رسمی است، مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌شود.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۰۹ مورخ ۱۳۸۸/۷/۵)

۴. رأی شماره‌های ۵۲۵ و ۵۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص اعتراض به

رأی قطعی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری

تاریخ: ۱۳۸۸/۶/۲۲

شماره دادنامه: ۵۲۵، ۵۲۶

کلاس پرونده: ۴۳۲/۸۸، ۴۳۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای مجید چابکرو مدیرکل دفتر هماهنگی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری

وزارت آموزش و پرورش.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۲۱ و ۲۲ دیوان عدالت

اداری.

مقدمه: الف - شعبه بیست و دوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۹/۸۸ موضوع شکایت آقای مجید چابکرو به طرفیت هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش به خواسته اعتراض به رأی شماره ۵۵۵۸ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۲ به شرح دادنامه شماره ۲۹۵ مورخ ۱۳۸۸/۲/۳۰ چنین رأی صادر نموده است، در خصوص شکایت آقای مجید چابکرو به طرفیت هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش به خواسته شکایت از رأی قطعی شماره ۵۵۵۸ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۲ که با انطباق تخلف ارتكابی با بند یک و ۲۵ ماده ۸ به استناد بند (د) ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری به مجازات انفصال موقت به مدت سه ماه محکوم گردیده است. نظر به اینکه ایراد شکلی که موجبات نقض رأی مورد شکایت را فراهم نماید از جانب شاکی اقامه نگردیده و از حیث رعایت موازین شکلی نیز ایرادی بر نحوه رسیدگی و صدور رأی مترتب نمی‌باشد، بنابر مراتب اعلام شکایت شاکی غیر وارد تشخیص و به استناد مواد ۱۳ و ۲۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ردّ شکایت صادر و اعلام می‌گردد. ب - شعبه بیست و یکم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۹/۸۸ موضوع شکایت آقای رحمان زیدونی به طرفیت هیأت تجدیدنظر رسیدگی به

تخلفات اداری شعبه ۲ آموزش و پرورش به خواسته اعتراض به رأی شماره ۵۵۵۷ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۲ هیأت تجدیدنظر به شرح دادنامه شماره ۲۷۱ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۷ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه برابر نظریه کارشناس ثبت کشور در ملک متنازع فیه درب کوچکی از قدیم در محل وجود داشته و بعداً عریض شده و در زمان واگذاری منازل معین وضعیت فعلی را داشته است و به علاوه پرونده از نظر داشتن حق ارتفاق و غیره در شعبه دوم دادگاه حقوقی در جریان رسیدگی است. علیهذا، چنانچه ثابت شود که شاکی دارای حق ارتفاق می‌باشد، در این تخلفی از ناحیه ایشان مشهود نیست و ضمن اینکه بندهای تفهیم شده در ماده ۸ با اتهام انتسابی به ایشان ارتباط چندانی ندارد. ضمن اینکه هیأت می‌بایست به ذیل ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرائی قانون تخلفات که رأی صادر شده را به طور مستدل و مستند انشاء نمایند و به سوابق شاکی و موقعیت ایشان نیز متوجه گردد و برابر آراء شماره ۱۰۱ مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۸ و شماره ۸۳ مورخ ۱۳۷۸/۳/۲۹ به اصل ضرورت ارزش و اعتبار دلایل توجه نمایند. بنابراین در موقعیت فعلی رأی هیأت مخدوش و لازم‌الفسخ می‌باشد و مستنداً به مواد ۱۳ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکی و نقض رأی هیأت و ارجاع آن به هیأت همعرض صادر و اعلام می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

«رأی هیأت عمومی»

الف - تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق‌الذکر محرز بنظر می‌رسد. ب - احداث درب به درون خانه معلم و تردد از آن و ایجاد مزاحمت برای خانه معلم و آموزش و پرورش (متبوع خود) توسط کارمند دولت از مصادیق شقوق مندرج در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۲/۹ به شمار نمی‌رود و تخلف اداری محسوب نمی‌شود. بنابراین رسیدگی به عمل مزبور به عنوان ارتکاب تخلف اداری و تعیین مجازات اداری برای مرتکب آن انطباقی با قانون رسیدگی به تخلفات اداری ندارد و دادنامه شماره ۲۷۱ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۷ شعبه بیست و

یکم دیوان در حدی که نتیجتاً مبین نقض رأی قطعی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری است صحیح و موافق قانون می‌باشد. این رأی مستنداً به بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۱۲ مورخ ۱۳۸۸/۷/۸)

بخش سوم:

استفادات قضایی و نظریات مشورتی^۲

۱- استفادات قضایی دفتر آموزش روحانیون و تدوین متون فقهی از مراجع عظام تقلید

۲- نظریات مشورتی اداره کل امور حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضائیه

الف : استفتاء :

۱. استفتاء ۷۰۹۵: ضمان یا عدم ضمان نسبت به فوت در پی ایراد صدمه

پرسش:

پس از تصادف وسیله نقلیه به رانندگی «الف» با «ب» (عابر پیاده)، «ب» شکایتی را با عنوان ایراد صدمه بدنی غیر عمدی ناشی از بی احتیاطی در امر رانندگی علیه «الف» مطرح می نماید. با ارجاع امر به کارشناس رسمی دادگستری در امر تصادفات، کارشناس مربوطه «الف» را صد در صد مقصر اعلام می نماید و پزشکی قانونی پس از انجام معاینات لازم اعلام می دارد:

فرد «ب» دچار شکستگی قسمت ابتدایی استخوان درشت نی پای راست شده است. لازم است سه ماه دیگر جهت معاینه مجدد مراجعه نماید.

پس از مدتی «ب» فوت می نماید. کمیسیون پزشکی قانونی اعلام می دارد: علت فوت «ب» نشر خون ناشی از بیماری بدخیمی (سرطان پروستات) تعیین می گردد و از آنجا که حادثه تصادف به دلیل شکستگی فوق الذکر منجر به بی حرکتی وی شده به طور نسبی در وقوع مرگ نقش داشته و میزان آن حدود پانزده درصد برآورد می گردد. با عنایت به نظریه کارشناس بفرمایید:

الف. آیا راننده ضامن شکستگی استخوان پا هست یا نسبت به قتل نیز ضامن دارد؟
ب. در صورتی که نسبت به قتل نیز ضامن باشد، میزان آن چند درصد است؟

پاسخ:

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت (ره)

الف و ب. اگر اصل استناد قتل به تصادف مسلم و قطعی است، ضمان ثابت است و اگر طوری بوده که با فرض عدم تصادف وفات نمی کرد و تصادف سبب شد بیماری بیشتر شده و وفات کند، دیه کامل ثابت است و دیه شکستگی استخوان ثابت نیست اما اگر تصادف جزء سبب بوده تداخل دیه شکستگی استخوان با دیه نفس ثابت نیست و لذا مصالحه کنند نسبت به دیه استخوان و نیز نسبت به درصد سبب شدن تصادف برای وفات.

(۱۳۸۸/۰۱/۰۸)

آیت الله العظمی جعفر سبحانی
هرگاه عرفاً مرگ او را مستند به بیماری موجود در او می دانند نه شکستگی پا هرچند از
نظر طبی در تسریع مرگ مؤثر بوده فقط ضامن دیه شکستگی پا است والله العالم. ٨ صفر
المظفر ١٤٣٠ هـ.ق.

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی
در فرض سؤال فقط ضامن شکستگی استخوان است. همیشه موفق باشید.
(١٣٨٧/١١/٠٧)

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی
در فرض سؤال راننده مقصر فقط ضامن شکستگی است و نسبت به فوت ضامن نیست.
(١٣٨٧/١١/٢٣)

٢. استفتاء ٧١٠٦: حدود نفوذ تصرفات وکیل

پرسش:

فردی جهت اداره قطعه زمینی که داشته وکالتی به وکیل می دهد که از جمله اختیارات
چنین بوده: «وکیل حق صلح و فروش زمین مزبور به هر مبلغی و به هر کسی ولو به خود را
دارد. وکیل دارای اختیارات تام و نامحدود با حق توکیل به غیر می باشد.» که وکیل اول کلیه
اختیارات خود را طی عقد وکالت دیگری به وکیل دیگری تفویض می کند و وکیل ثانی نیز
زمینی را که ٥ میلیارد تومان ارزش داشته را به ١٠ میلیون تومان به خود صلح می کند. حالیه
اختلاف حادث شده که:

١. آیا وکیل دوم حق صلح مورد وکالت را به خود به قیمت بسیار ناچیز دارد؟ یا «صلح
به خود» مختص وکیل اول بوده است؟
٢. آیا تمسک به عنوان «تکلیف وکیل در رعایت غبطه و مصلحت موکل» ایراد خدشه
به اراده و موکل نیست؟ و نافی تصریحات وکالتنامه نمی باشد؟
٣. اگر این دارا شدن از حیللهای قانون بوده آیا مورد حمایت شرع می باشد؟

پاسخ:

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت(ره)

وکیل دوم حق صلح به خود را دارد ولی نه به قیمت ناچیز و چون مصلحت موکل در آن رعایت نشده، این صلح باطل است.

(۱۳۸۷/۱۱/۲۴)

آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای

ملاک در این گونه امور، قانون و مقررات مربوطه می باشد و باید طبق آن عمل شود. لکن مسایل نزاعی نیاز به رسیدگی و حل و فصل دارد و اگر با تفاهم و سازش حل نشود، مرجع رسیدگی دادگاه است.

(۱۳۸۸/۰۱/۲۳)

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

الف . توکیل به نحو مذکور در سؤال (حق صلح و فروش به هر مبلغی ولو به خود) از این گونه صلح که زمینی را که پنج میلیارد تومان ارزش دارد به ده میلیون تومان، صلح نماید انصراف دارد و این گونه صلح برای هیچ یک از وکیل اول و دوم، جایز نیست و موجب ضمان نیز هست.

ب . تکلیف وکیل، عمل نمودن به نحو متعارف است و به عبارت دیگر عمل نمودن به نحو غیر متعارف، مانند مذکور در سؤال، محتاج به تصریح موکل است و اگر تصریح نکرده و اکتفا به توکیل به نحو مذکور نموده، عرف از آن این گونه توکیل را نمی فهمد. بنابراین به نحو متعارف عمل کردن و رعایت مصلحت موکل، نافی تصریحات موکل محسوب نمی شود، والله العالم. ۲۹ محرم ۱۴۳۰ هـ. ق

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

این گونه صلح ها از محدوده آن وکالت خارج است. همیشه موفق باشید.

(۱۳۸۷/۱۱/۰۳)

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

سؤال از حکم کلی فقهی نیست، بلکه از سعه و ضیق اختیارات وکیل و در رابطه با حق توکیل است و این جهت، مربوط به قرارداد وکالت می‌باشد، که بین طرفین صورت گرفته، نه فقها، هرچند ظاهر عبارت، دارای اختیارات تام و نامحدود با حق توکیل به غیر این است و وکیل اول حتی اختیار چنین توکیلی را دارد و صحت عمل وکیل (اول یا دوم) در محدوده اختیارات اوست و منوط به رعایت غبطه موکل نیست.

(۱۳۸۷/۱۲/۱۹)

۳. استفتاء ۷۰۴۶: عدم جواز اشتراط ضمان درک مبیع

پرسش:

آیا بایع می‌تواند در ضمن عقد بیع شرط کند که اگر مبیع مستحق للغیر درآمد نسبت به درک و خسارت آن به مشتری ضامن نباشد؟

پاسخ:

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت (ره)
شرط، خلاف است و جایز نیست.

(۱۳۸۸/۰۲/۰۱)

آیت الله العظمی جعفر سبحانی

سؤال مربوط به ضمان درک است بایع نمی‌تواند چنین شرطی بکند زیرا مخالف مقتضای عقد است ولی کسی دیگر نمی‌تواند از طرف او ضمانت کند و به آن «ضمان درک» گویند والله العالم. ۲۹ محرم الحرام ۱۴۳۰ هـ. ق.

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

این شرط صحیح نیست و بر خلاف مقتضای عقد است. همیشه موفق باشید.

(۱۳۸۷/۰۹/۲۵)

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی
اگر عدم ضمان را شرط کند، باطل است، ولی اگر شرط کند، که چنانچه مستحقاً للغير
درآمد مرا از ضمان ابراء ذمه کن، در این صورت، ظاهراً صحیح است.

(۱۳۸۸/۰۲/۰۱)

۴. استفتاء ۷۱۱۵: ثبوت خیار غبن در انواع بیع

پرسش:

وضعیت خیار غبن در بیع‌های زیر چگونه است؟
الف. بیعی که به صورت مزایده واقع می‌شود.
ب. بیع محاباتی.
ج. بیع عتیقه جات و آثار باستانی.

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت (ره)
فرقی نمی‌کند و غبن غیر مترقب در آن هم می‌تواند محقق شود.

(۱۳۸۸/۰۲/۰۱)

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی
در تمام اشیایی که در عرف عقلاً قیمت معینی دارد و به هنگام فروش اجحاف شود خیار
غبن وجود دارد. همیشه موفق باشید.

(۱۳۸۷/۱۲/۲۷)

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی
الف، ب و ج. خیار غبن وجود دارد، مگر آن که از گفتار متعاملین یا قرائن و شواهد،
اسقاط خیار غبن فهمیده شود.

(۱۳۸۸/۰۲/۰۱)

آیت الله العظمی حسین نوری همدانی
الف، ب و ج . هر بیعی که بر اساس موازین شرعی و مقررات حکومت اسلامی، انجام
گرفته باشد با شرایطش، خیار غبن در آن جاری است.
(۱۳۸۸/۰۱/۲۲)

۵. استفتاء ۷۱۱۶ : ادعای جهل نسبت به اسقاط خیارات

پرسش:

اگر بایع و مشتری سندی را که در آن نوشته شده «با اسقاط کافه خیارات» یا «با اسقاط
کافه خیارات از جمله خیار غبن هر چند فاحش یا افحش باشد»، امضا کند و سپس مدعی شود
که مفهوم عبارات فوق را نمی دانسته‌ام، آیا قولش مسموع است؟

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت (ره)
مسموع است نسبت به مبالغی که اگر می دانست، اقدام نمی کرد ولی به صرف این که
بگوید معنای جمله را نمی دانستم، در حالی که امضا کرده است، پذیرفته نیست.
(۱۳۸۸/۰۲/۰۱)

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی
قولش مسموع نیست مگر این که بتواند با دلیل معتبر آن را ثابت کند. همیشه موفق
باشید.
(۱۳۸۷/۱۲/۲۷)

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی
اگر مدعی مذکور خوانده و امضا کرده، ادعای عدم فهم معنا پذیرفته نیست، ولی اگر
نخوانده یا خواندن معلوم نباشد، به حسب افراد حکم مسأله متفاوت است، اگر مدعی مذکور، از
اهل اطلاع و افراد دقیق باشد، ادعای او پذیرفته نیست، ولی اگر از افراد معمولی و عوام باشد،
که معمولاً توجهی به این گونه امور ندارند و تمام توجه آن‌ها به اصل معامله است و نسبت به

خصوصیات مذکور توجهی ندارند و با سهل انگاری امضا می کنند، ادعای آن ها پذیرفته می شود، البته پذیرفتن و نپذیرفتن ادعاهای ذکر شده، در صورتی است که خلاف آن ثابت نشود.
(۱۳۸۸/۰۲/۰۱)

آیت الله العظمی حسین نوری همدانی
در فرض سؤال قولش مسموع نمی باشد.

(۱۳۸۸/۰۱/۲۲)

ب : نظریات مشورتی

۱. جواز عدول دادستان از قرار صادره توسط معاون دادستان

با توجه به بند الف ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ ریاست دادرسی با دادستان بوده و به تعداد لازم معاون، دادیار و بازپرس خواهد داشت. در نتیجه معاون دادستان تحت نظر دادستان انجام وظیفه می نماید و بر این اساس دادستان می تواند با تشخیص و نظر خود از قرارهای صادر شده از ناحیه معاون چه اعدادی و چه نهائی عدول نموده و هر تصمیم قضائی و قانونی که لازم می داند اتخاذ نماید.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۲۴۱ مورخ ۱۳/۴/۱۳۸۸)

۱. در بند «الف» می خوانیم: «دادسرا که عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم، اقامه دعوی از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، اجرای حکم و همچنین رسیدگی به امور حسبه وفق ضوابط قانونی است به ریاست دادستان می باشد و به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و تشکیلات اداری خواهد داشت. اقدام دادسرا در جرایمی که جنبه خصوصی دارد با شکایت شاکی خصوصی شروع می شود. در حوزه قضایی بخش، وظیفه دادستان را دادرسی علی البدل بر عهده دارد».

۲. مقررات حاکم بر اعتراض به قرارهای دادسرا

با توجه به قسمت دوم بند (و) ^۱ ماده (۳) اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و بندهای (ز) ^۲ و (ن) ^۳ همان ماده قانونی، اولاً، تمام قرارهای قابل اعتراض دادسرا، - اعم از قرارهای بازپرس یا دادیار - که صادر و مورد موافقت دادستان واقع شده، ظرف ده روز پس از ابلاغ، منحصرأ در دادگاه ذی صلاح قابل اعتراض است نه در دادسرا. ثانیاً، مرجع ذی صلاح برای تشخیص اینکه اعتراض مزبور ظرف مهلت قانونی بعمل آمده یا خارج از آن، همان دادگاه است نه دادسرا. ثالثاً، بر فرض که به نظر دادسرا، اعتراض به قرار، خارج از مهلت قانونی باشد، چون اعتراض به قرار مانع جریان تحقیقات و اجرای قرار نمی شود، دادسرا

۱. بند «و» ماده ۳: تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم بر عهده بازپرس می‌باشد. در جرایمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان نیست دادستان نیز دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس مقرر می‌باشد.

در مورد جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس، اقدامات لازم را برای حفظ و جمع آوری دلایل و آثار جرم به عمل می‌آورد و در مورد سایر جرایم؛ دادستان می‌تواند انجام بعضی از تحقیقات و اقدامات را از بازپرس درخواست نماید بدون اینکه رسیدگی امر را به طور کلی به آن بازپرس ارجاع کرده باشد.

۲. بند «ز» ماده ۳: «کلیه قرارهای دادیار بایستی با موافقت دادستان باشد و در صورت اختلاف نظر بین دادستان و دادیار، نظر دادستان متبع خواهد بود.»

۳. بند «ن» ماده ۳: قرارهای بازپرس که دادستان با آنها موافق باشد در موارد ذیل قابل اعتراض در دادگاه صالحه بوده و نظر دادگاه که در جلسه اداری خارج از نوبت و بدون حضور دادستان به عمل می‌آید قطعی خواهد بود:

۱ - اعتراض به قرارهای منع تعقیب و موقوفی تعقیب به تقاضای شاکی خصوصی.

۲ - اعتراض به قرارهای عدم صلاحیت، بازداشت موقت، تشدید تأمین و تأمین خواسته به تقاضای متهم.

۳ - اعتراض به قرار اناطه به تقاضای شاکی خصوصی و دادستان.

اعتراض به قرارهای مذکور در بالا ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ آن می‌باشد.

اعتراض به قرارها باعث توقف جریان تحقیقات و مانع اجرای قرار نبوده و کلیه اقدامات بازپرسی تا اخذ تصمیم دادگاه به قوت خود باقی خواهد بود و چنانچه نتیجه قرار صادره آزادی متهم زندانی باشد فوراً اجرا می‌شود.

هرگاه به علت عدم کفایت دلیل قرار منع تعقیب متهم صادر و قطعی شده باشد دیگر نمی‌توان به همین اتهام او را تعقیب کرد، مگر بعد از کشف دلایل جدید که در این صورت فقط برای یک مرتبه می‌توان به درخواست دادستان وی را تعقیب نمود. هرگاه دادگاه تعقیب مجدد متهم را تجویز کند بازپرس، رسیدگی و قرار مقتضی صادر می‌نماید. این امر مانع از رسیدگی به درخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی نمی‌باشد.

با تشکیل بدل پرونده به هر دو وظیفه قانونی خود (۱) - حسب مورد ادامه تحقیقات یا اجرای قرار ۲ - ارسال بدل پرونده برای رسیدگی به اعتراض خارج از مهلت اقدام خواهد کرد.
(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۲۶۵ مورخ ۱۳۸۸/۴/۱۴)

۳. مسئولیت مدنی و کیفری مدیران و کارکنان ادارات راه و ترابری در صورت وقوع حوادث رانندگی

در مواردی که علیه مدیران و کارکنان ادارات راه و ترابری به جهت وقوع تصادف ناشی از خرابی جاده ها و امثال آن به ادعای فعل یا ترک فعل ادارات یا کارکنان و مسئولین ادارات مذکور برخلاف وظایف قانونی آنها اقامه دعوی کیفری یا حقوقی می شود با توجه به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹^۱ و تبصره ذیل ماده ۱۹ الحاقی مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۱ قانون ایمنی راهها و راه آهن^۲ چنانچه مدیران و کارکنان مزبور بلحاظ وظایف قانونی خود صرفاً به عنوان نماینده دولت تعقیب و پیگیری و پاسخگوئی دعاوی مطروحه را بعهده دارند و تخلفات مستقیماً قابل استناد به فعل یا ترک فعل غیرقانونی آنها نباشد مسئولیت مدنی و کیفری متوجه آنها نخواهد بود و حسب مورد در صورتی که وقوع تصادف و ورود خسارت در اثر کوتاهی ادارات مذکور در نصب علائم ایمنی برای انجام عملیات احداث و مرمت و

۱. ماده ۱۱ - «کارمندان دولت و شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسؤول جبران خسارات وارده می باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود».

۲. متن ماده ۱۹ و تبصره ذیل آن: «ماده ۱۹ (الحاقی ۱۳۷۹/۲/۱۱) - وزارتخانه های راه و ترابری و جهاد سازندگی مکلفند علائم افقی و عمودی و تجهیزات ایمنی لازم را در طول هر یک از راههای مربوط مشخص و در محل های مورد نیاز نصب و اجرا نمایند. تبصره - وزارتخانه های مذکور مکلفند برای انجام عملیات احداث و مرمت و یا نگهداری راههای مربوط به علائم ایمنی لازم را نصب نمایند. چنانچه بر اثر کوتاهی در بکار بردن علائم یاد شده خسارتی به اشخاص (حقیقی یا حقوقی) وارد شود هر یک از وزارتخانه های یاد شده حسب مورد موظف است از مطالبات پیمانکار یا اعتبارات جاری و عمرانی وزارتخانه، خسارت وارده را پرداخت نماید و چنانچه مأموران دولت یا پیمانکاران مرتکب تقصیر شده باشند، دولت خسارت پرداخت شده را از آنها استیفاء خواهد نمود.»

نگهداری راهها توسط دادگاه احراز شود مسئولیت مدنی جبران خسارت بعهدہ ادارات مذکور است. ولی اگر وقوع حادثہ مستند، فعل یا ترک فعل مدیران یا کارکنان بوده نہ عملکرد اداره مذکور، در اینصورت مسئولیت کیفری متوجه شخص حقیقی مقصر بوده و پرداخت خسارت نیز از محل مطالبات پیمانکار یا اعتبار جاری و عمرانی اداره مذکور انجام می شود. البتہ دولت خسارات پرداختی را از مأمورین دولتی یا پیمانکاران مقصر استیفاء خواهد نمود و چنانچہ وقوع تصادف اساساً ارتباطی با وظایف ادارات مذکور یا مسؤولین و کارکنان آنها نداشته باشد و در اثر بی احتیاطی شخص زیان دیده یا وقوع حوادث طبیعی بوده باشد مسئولیت کیفری یا حقوقی متوجه مسؤولین و کارکنان و ادارات مذکور نخواهد بود. در هر حال تشخیص موضوع با قاضی رسیدگی کننده است. در این مورد رعایت قانون اصلاح بیمہ اجباری مسئولیت مدنی رانندگان وسایل نقلیہ موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۸۷ ضروری است.

(نظریہ مشورتی شماره ۲۲۸۵/۷ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۰)

۴. حاکمیت مقررات ق. آ. د. م در رسیدگی به دعاوی حقوقی مربوط بہ چک

اگر چه بصراحت ماده ۲۲ اصلاحی قانون صدور چک «در صورتی کہ بہ متہم دسترسی حاصل نشود آخرین نشانی متہم در بانک محال علیہ اقامتگاہ قانونی او محسوب است و ہرگونہ ابلاغی بہ نشانی مزبور بہ عمل می آید» اما بنظر می رسد کہ طبق این مادہ صرفاً اقامتگاہ قانونی متہم در رسیدگی بہ پروندہ های کیفری مورد نظر مقنن بوده است. بنابراین در رسیدگی بہ دعاوی حقوقی کہ علیہ صادرکنندہ چک اقامہ می گردد باید وفق مقررات آیین دادرسی دادگاہہای عمومی و انقلاب در امور مدنی، در خصوص دعوت خواندہ بہ دادرسی عمل نمود و مادہ ۲۲ قانون صدور چک قابل اعمال نمی باشد.

(نظریہ مشورتی شماره ۷/۲۲۸۹ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۰)

۵. عدم تسری حکم ازدواج و طلاق به فوت، از حیث عدم درج در المثنای شناسنامه

با عنایت به قسمت اخیر ماده ۳۳ قانون ثبت احوال اصلاحی ۱۳۶۳/۱۰/۱۸ «... ازدواج و طلاق غیرمدخوله در المثنای شناسنامه درج نخواهد شد» عدم درج ازدواج یا طلاق غیر مدخوله در شناسنامه جدیدی که برای متقاضی صادر می شود بلحاظ اینکه مستند به حکم قانون است با تقاضای صاحب شناسنامه و دلیلی که غیرمدخوله بودن را ثابت نماید انجام می شود و نیازمند ارائه دادخواست و صدور حکم از جانب دادگاه نیست، اما حذف نام همسر از شناسنامه (هنگام صدور المثنی) تسری به فوت ندارد.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۵۱ مورخ ۷/۴/۱۳۸۸)

۶. مبنا بودن قانون استفاده از بی سیم های اختصاصی و غیر حرفه ای مصوب ۱۳۴۵ برای اخذ غرامت

طبق ماده یک قانون محاسبات عمومی کشور^۱، قانون بودجه، برنامه دولت است که برای یکسال تهیه می شود و مقررات آن علی الاصول برای همان سال لازم الاجراء است مگر آنکه در قانون بودجه زمان بیشتری برای اجرای مواردی از آن در نظر گرفته شود و چون افزایش غرامت موضوع ماده ۱۱ قانون استفاده از بی سیم های اختصاصی و غیرحرفه ای در قانون بودجه سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷، مختص همان سالها است و در قانون بودجه

۱. ماده ۱ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ اشعار می دارد:

«بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه ها برای انجام عملیاتی که منجر به نیل سیاستها و به هدفهای قانونی می شود، بوده و از سه قسمت به شرح زیر تشکیل می شود:

۱- بودجه عمومی دولت که شامل اجزاء زیر است:

الف - پیش بینی دریافتها و منابع تأمین اعتبار که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در سال مالی قانون بودجه به وسیله دستگاهها از طریق حسابهای خزانه داری کل اخذ می گردد.

ب - پیش بینی پرداختهایی که از محل درآمد عمومی و یا اختصاصی برای اعتبارات جاری و عمرانی و اختصاصی دستگاههای اجرایی می تواند در سال مالی مربوط انجام دهد.

۲- بودجه شرکتهای دولتی و بانکها شامل پیش بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار.

۳- بودجه مؤسساتی که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه کل کشور منظور می شود.»

سال ۸۸ نیز در خصوص افزایش غرامت مذکور مقرراتی وضع نشده است لذا باید طبق مقررات قانون سابق یعنی قانون استفاده از بی سیم های اختصاصی و غیرحرفه ای^۱ مصوب ۱۳۴۵ عمل شود. ضمناً بند ۴۵ قانون بودجه سال ۱۳۸۸^۲ نیز مؤید این نظر می باشد.
(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۵۲ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۱)

۷. قابل مطالبه نبودن خسارت از خسارت

با توجه به ماده ۵۲۲ از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی خسارت از خسارت قابل مطالبه نیست منتهی با حصول شرائط مقرر در ماده مذکور دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد خسارت نسبت به اصل خواسته را محاسبه و مورد حکم قرار می دهد.
(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۵۳ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۱)

۱. ماده ۱۱ قانون استفاده از بی سیم های اختصاصی و غیر حرفه ای (آماتوری) مقرر می دارد:
«اشخاص زیر به پرداخت غرامت از دو هزار ریال تا بیست هزار ریال محکوم می شوند:
۱- هر کس ایستگاه دیگری را بدون موافقت وزارت پست و تلگراف و تلفن مورد استفاده قرار دهد.
۲- هر کس در ایستگاه بدون پروانه عالماً و عامداً مخابره رادیویی انجام دهد.
۳- هر کس از طول موج های غیر مجاز یا ثبت نشده در دفاتر وزارت پست و تلگراف و تلفن استفاده نماید.
۴- هر کس بدون گواهینامه به عملیات رادیویی غیر حرفه ای اشتغال ورزد یا با علم و اطلاع با افراد بدون گواهینامه ارتباط رادیویی بگیرد و یا به اشخاص بدون گواهینامه اجازه کار در ایستگاه بدهد.
۵- هر کس از مقررات و قوانین رادیویی و یا مشخصات و شرایط و خصوصیات مندرج در پروانه ایستگاه تخلف کند.
۶- هر کس عمداً دفتر گزارش کار ایستگاه را بر خلاف ترتیب مقرر وزارت پست و تلگراف و تلفن تنظیم کند و یا تمام یا قسمتی از عملیات خود را در دفتر ثبت ننماید.
۷- هر کس پیام رادیویی مربوط به اشخاص دیگر را دریافت نموده آن را مورد استفاده قرار دهد.
۸- هر کس با علامت شناسایی مربوط به دیگران خود و یا ایستگاه خود را معرفی نماید.
۹- هر کس پس از انقضای مدت اعتبار پروانه یا گواهینامه بدون کسب اجازه مجدد به کار خود ادامه دهد.
۲. متن بند ۴۵ : «احکام بندهای ۱۱، ۱۸، ۱۹، ۲۸، ۳۰، ۳۱ و ۳۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۷ در سال ۱۳۸۸ تنفیذ می گردد».
توضیح این که هیچ کدام از بندهای مذکور در قانون بودجه سال ۱۳۸۷ مربوط به استفاده از بی سیم نیست.

۸. صلاحیت دادگاه عمومی در رسیدگی به جرایم مربوط به مواد روان گردان

با توجه به ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و بندهای مربوط به آن و آیین نامه اصلاحی آن مصوب ۱۳۸۲ و صلاحیت اضافی موضوع تبصره ۶ ماده ۳ قانون امور پزشکی و داروئی مواد خوراکی و آشامیدنی مصوب ۱۳۷۴^۱ - که صلاحیت های دادگاه انقلاب اسلامی را احصاء^۲ کرده است رسیدگی به جرائم مربوط به مواد روان گردان (قانون مربوط به امور پسیکوتروپ) مصوب ۱۳۵۴/۲/۸^۳ در صلاحیت دادگاه عمومی کیفری است و برابر این مقررات مواد روان گردان جزء مواد مخدر تلقی نمی شوند.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۸۹ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۲)

۹. قابل استماع بودن دعوای مطالبه قیمت روز ملک موضوع ملک شهرداری

دعوی به خواسته مطالبه قیمت روز ملک موضوع طرح تملک قبل از تعیین ارزش و اظهارنظر کارشناس قابل استماع است و شهرداری مکلف است قیمت عادلانه مورد تملک شهرداری را حسب توافق طرفین یا با جلب نظر کارشناس پرداخت نماید. از اینرو چنانچه شهرداری مفاد ماده واحده قانون تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداری ها مصوب

۱. تبصره مذکور که الحاقی ۱۳۷۴/۱/۲۹ می باشد مقرر داشته که: «به جرایم موضوع این قانون در دادگاه انقلاب اسلامی رسیدگی خواهد شد.»

۲. به نظر می رسد کلمه «اضافه» صحیح است.

۳. ماده ۱ این قانون مقرر می دارد:

«مواد روان گردان به موادی گفته می شود که در فهرست های چهارگانه ضمیمه این قانون مندرج است. وزارت بهداشت در صورت توصیه کمیسیون مواد مخدر سازمان ملل متحد می تواند در فهرست های چهارگانه مذکور با تصویب هیأت وزیران تجدیدنظر نموده و مراتب را به وسیله روزنامه رسمی کشور و جراید کثیرالانتشار اعلام نماید. این تغییرات پس از انقضای پانزده روز از تاریخ انتشار لازم الرعایه خواهد بود.»

۱۳۷۰ را اجراء نکرده باشد و مالک با مراجعه به دادگاه بهاء اراضی مورد تصرف شهرداری - پس از تصرف- را مطالبه کند، دادگاه حسب مقررات قانون آیین دادرسی در امور مدنی عمل خواهد نمود.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۴۸۹ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۴)

۱۰. کفایت دستور اداری دادستان برای اجازه خروج از کشور برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال در صورت

عدم دسترسی به ولی یا قیم

طبق بند ۱ ماده ۱۸ قانون گذرنامه^۲، صدور گذرنامه برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال مستلزم اجازه کتبی ولی یا قیم آنان است. در مواردی که دسترسی به ولی یا قیم آنان نباشد در صورت ضرورت اعطاء گذرنامه یا اجازه خروج آنها با موافقت دادستان بلاشکال است و برای کسب اجازه خروج نیازی به طرح دعوی نیست و صرف تقاضای ذی نفع کافی است و صدور دستور از جانب دادستان به صورت اداری کفایت می کند.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۵۲۲ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۷)

۱. این قانون دارای یک ماده و هفت تبصره است. در ماده واحده آمده است: «در کلیه قوانین و مقرراتی که شهرداریها مجاز به تملک ابنیه املاک و اراضی قانونی مردم می باشند در صورت عدم توافق بین شهرداری و مالک، قیمت ابنیه، املاک و اراضی بایستی به قیمت روز تقویم و پرداخت شود.»

۲. ماده ۱۸: برای اشخاص زیر با رعایت شرایط مندرج در این ماده گذرنامه صادر می شود:

۱ - (اصلاحی ۱۳۸۰/۳/۲۳) - اشخاصی که کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و کسانی که تحت ولایت و یا قیمومت می باشند با اجازه کتبی ولی یا قیم آنان.

۲ - مشمولین وظیفه عمومی با اجازه کتبی اداره وظیفه عمومی.

۳ - زنان شوهردار ولو کمتر از ۱۸ سال تمام با موافقت کتبی شوهر و در مورد اضطراری اجازه دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه که مکلف است نظر خود را اعم از قبول درخواست یا رد آن حداکثر ظرف سه روز اعلام دارد کافی است. زنانی که با شوهر خود مقیم خارج هستند و زنانی که شوهر خارجی اختیار کرده و به تابعیت ایرانی باقی مانده اند از شرط این بند مستثنی می باشند.

۱۱. لزوم فسخ قرار تعلیق در محکومیت‌های متعدد

بموجب ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، مقررات مربوط به تعلیق در مورد جرائم عمدی متعدد قابل اجراء نیست و لذا چنانچه در مورد یک نفر احکام متعددی در خصوص جرائم عمدی صادر و در بین آنها محکومیت‌های معلق وجود داشته باشد، دادستان مجری حکم تکلیف دارد که فسخ قرار یا قرارهای تعلیق را از دادگاه صادرکننده حکم قطعی اعم از دادگاه بدوی یا تجدیدنظر بخواهد و دادگاه باید نسبت به فسخ قرار یا قرارهای مذکور اقدام نماید. احکام قطعی مذکور که قرار تعلیق آن صادر شده اعم از احکامی است که بموجب قانون تجدیدنظر از آراء دادگاهها مصوب سال ۱۳۷۲ قابل تجدیدنظر در دادگاه نظامی یک بوده و قطعی شده یا در دادگاه نظامی ۲ بطور قطعی صادر شده است.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۵۲۵ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۷)

۱۲. زمان شروع مهلت یک سال و نیم برای اجرای حکم علیه دولت

مدت یکسال و نیم مهلت مقرر در ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت وعدم تأمین وتوقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵/۸/۱۵^۱ پس از پایان سالی که حکم قطعی در آن

۱. متن ماده واحده و تبصره‌های آن :

ماده واحده - «وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که درآمد و مخارج آنها در بودجه کل کشور منظور می‌گردد، مکلفند وجوه مربوط به محکوم به دولت در مورد احکام قطعی دادگاهها و اوراق لازم الاجراء ثبتی و دفاتر اسناد رسمی و یا اجراء دادگاهها و سایر مراجع قانونی را با رعایت مقررات از محل اعتبار مربوط به پرداخت تعهدات بودجه مصوب سالهای قبل منظور در قانون بودجه کل کشور و در صورت عدم وجود اعتبار و عدم امکان تأمین از محل‌های قانونی دیگر در بودجه سال بعد خود منظور و پرداخت نمایند، اجراء دادگستری و ادارات ثبت اسناد و املاک و سایر مراجع قانونی دیگر مجاز به توقیف اموال منقول و غیر منقول وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که اعتبار و بودجه لازم را جهت پرداخت محکوم به ندارند تا تصویب و ابلاغ بودجه یک سال و نیم بعد از سال صدور حکم نخواهند بود. ضمناً دولت از دادن هرگونه تأمین در زمان مذکور نیز معاف می‌باشد، چنانچه ثابت شود وزارتخانه‌ها و مؤسسات یاد شده با وجود تأمین اعتبار از پرداخت محکوم به استنکاف نموده‌اند، مسؤول یا مسؤولین مستنکف متخلف محاکم صالحه از یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و چنانچه متخلف به وسیله استنکاف سبب وارد شدن خسارت بر محکوم له شده باشد، ضامن خسارت وارده می‌باشد».

سال صادر شده است آ‌از می شود، مثلاً اگر حکم قطعی در سی ام شه‌ریور ماه سال ۱۳۸۰ صادر شود آ‌از مهلت یکسال ونیم مورد بحث اول فروردین ۱۳۸۱ خواهد بود.
(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۵۵۲ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۷)

۱۳. جایز نبودن تبدیل مجازات در جرائم مربوط به مواد مخدر

رسیدگی به جرائم مواد مخدر در دادگاه انقلاب صرفاً براساس قانون اصلاحی قانون مبارزه با موادمخدر و آیین نامه اجرائی آن صورت می گیرد و تخفیف در جرائم مذکور نیز منحصرأ طبق ماده ۳۸ قانون مذکور^۱ می باشد و استناد به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی فقط از لحاظ احراز جهات مخففه وجاهت قانونی دارد ولاغیر، بنابراین تبدیل مجازات بااستناد این ماده به مجازات دیگر مجوزی وجود ندارد.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۵۵۶ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۷)

۱۴. قانونی نبودن تشکیل جلسه دادگاه در صورت عدم حضور دادستان یا نماینده وی

حضور دادستان در جلسه دادگاه کیفری استان چه در پرونده هائی که مستقیماً بدون دخالت دادسرا به دادگاه مذکور ارسال و چه در پرونده هائی که با صدور کیفرخواست ارسال

تبصره ۱ - دستگاه مدعی علیه با تقاضای مدعی باید تضمین بانکی لازم را به عنوان تأمین مدعی به، به دادگاه بسپارد. در صورتی که دعوی یا مقداری از خواسته رد شود، به حکم دادگاه تضمین یا مبلغ مانده به دستگاه مدعی علیه رد خواهد شد.

تبصره ۲ - تبصره ۵۳ قانون بودجه سال ۱۳۵۷ و تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۳۴ لغو می‌شود.

۱. ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر:

«دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازاتهای تعزیری مقرر در این قانون را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد در صورتی که مجازاتی فاقد حداقل باشد همان مجازات تا نصف تخفیف می‌یابد. میزان تخفیف در احکام حبس ابد ۱۵ سال خواهد بود و در مورد مجازات اعدام تقاضای عفو و تخفیف مجازات به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد».

تبصره - کلیه محکومینی که پس از صدور حکم به نحوی با نیروی انتظامی یا سازمان عمل کننده همکاری نمایند و اقدام آنها منجر به کشف شبکه‌ها گردد دادگاه صادر کننده رأی می‌تواند با تقاضای نیروی انتظامی و یا سازمان عمل کننده بر اساس اسناد مربوطه، مجازات وی را ضمن اصلاح حکم سابق الصدور تا نصف تخفیف دهد.

گردد به استناد بند ج ماده ۱۴^۱ و شق اخیر تبصره ۲ ماده ۲۰^۲ اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب یک تکلیف قانونی است و بدون حضور دادستان یا نماینده قانونی ایشان تشکیل جلسات دادگاه قانونی نمی باشد.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۵۸۰ مورخ ۷/۴/۱۳۸۸)

۱۵. عدم صلاحیت شورای حل اختلاف نسبت به دعاوی نفقه، مهریه و جهیزیه

باتوجه به بندهای ۳ و ۴ ماده واحده^۳ قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به دادگاههای موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی (دادگاه خانواده) رسیدگی به دعاوی نفقه و مهریه

۱. بند ج : دادگاههای عمومی جزایی و انقلاب با حضور رئیس دادگاه یا دادرس علی البدل و دادستان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان تشکیل می گردد و فقط به جرایم مندرج در کیفرخواست وفق قانون آیین دادرسی مدنی مربوط رسیدگی می نماید و انشای رأی پس از استماع نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او وفق قانون بر عهده قاضی دادگاه است.

۲. تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۸۱/۷/۲۸) در مرکز هر استان حسب نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه تجدیدنظر به عنوان «دادگاه کیفری استان» برای رسیدگی به جرایم مربوط اختصاص می یابد. تعداد شعبه یا شعبی که برای این امر اختصاص می یابد به تشخیص رئیس قوه قضائیه خواهد بود. دادستان شهرستان مرکز استان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان، وظایف دادستان را در دادگاه کیفری استان انجام می دهد قبل از استماع اظهارات شاکی و متهم، اظهارات دادستان یا نماینده وی و شهود و اهل خبره ای که دادستان معرفی کرده بیان می شود..

۳. به نظر می رسد به جای بند «۷» عبارت بند «۶» صحیح است.

۴. متن ماده واحده قانون مزبور: رئیس قوه قضائیه مکلف است ظرف مدت سه ماه در حوزه های قضایی شهرستانها به تناسب جمعیت آن حوزه حداقل یک شعبه از شعب دادگاههای عمومی را برای رسیدگی به دعاوی خانواده اختصاص دهد، پس از تخصیص این شعب، دادگاههای عمومی حق رسیدگی به دعاوی مربوط به این دادگاهها را نخواهد داشت. صلاحیت دادگاه خانواده عبارت است از رسیدگی به دعاوی مربوط به :

۱ - نکاح موقت و دائم؛

۲ - طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء مدت؛

۳ - مهریه؛

۴ - جهیزیه؛

۵ - اجرت المثل و نحله ایام زوجیت؛

۶ - نفقه معوقه و جاریه و اقربای واجب النفقه؛

۷ - حضانت و ملاقات اطفال؛

۸ - نسب؛

واسترداد جهیزیه در صلاحیت اختصاصی دادگاه خانواده است و شورای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی به امور فوق را ندارد.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۶۰۲ مورخ ۱۳۸۸/۴/۳۰)

۱۶. اقامه دعوی اعسار از پرداخت دیه قبل از انقضای مهلت پرداخت

اقامه دعوی اعسار از محکوم به یا درخواست تقسیط آن قبل از انقضای مهلت پرداخت دیه توسط محکوم علیه بلامانع است و در مواردی که حکم به تقسیط محکوم به (دیه) صادر و قطعی شود و محکوم علیه در زمان مقرر قسط را نپردازد به درخواست ذی نفع ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی در خصوص محکوم علیه اعمال می گردد.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۶۰۳ مورخ ۱۳۸۸/۴/۳۰)

۱۷. ملغی شدن تأمین کیفری به محض شروع اجرای حکم

باتصویب تبصره ۲^۱ ماده ۱۳۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ اشاره به بقاء تأمین کیفری با اجرای کامل دادنامه نشده، بلکه گفته شده که با شروع به اجراء، تأمین مأخوذه ملغی الاثر است. نتیجه اینکه به محض شروع

۹- نشوز و تمکین؛

۱۰- نصب قیم و ناظر و ضمن امین و عزل آنها؛

۱۱- حکم رشد؛

۱۲- ازدواج مجدد؛

۱۳- شرایط ضمن عقد؛

تبصره ۱- قضات دادگاههای خانواده باید متأهل و با سابقه حداقل چهار سال کار قضایی باشد.

تبصره ۲- در حوزههای قضایی بخش دادگاه عمومی بخش قائم مقام دادگاه خانواده خواهد بود.

تبصره ۳- هر دادگاه خانواده حتی المقدور با حضور مشاور قضایی زن، شروع به رسیدگی نموده و احکام پس از مشاوره با مشاوران قضایی زن صادر خواهد شد.

۱. تبصره ۲: «هرگاه متهم یا محکوم علیه در مواعد مقرر حاضر نشده باشد، به محض شروع اجرای حکم جزایی و یا قطعی شدن قرار تعلیق اجرای مجازات، قرار تأمین ملغی الاثر می شود».

اجرای حکم جزائی قرار تأمین ملغی الاثر می شود حتی اگر محکومیت محکوم علیه چند جنبه داشته باشد، بخصوص اینکه وقتی متهم چندین محکومیت داشته باشد قطعاً دادنامه بزنندان هم اعلام شده و طبیعی است که پس از اجرای یکی از محکومیتها اجرای دومی و... شروع و تمام محکومیت ها یکی پس از دیگری اجرا خواهد شد.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۶۰۴ مورخ ۱۳۸۸/۴/۳۰)

۱۸. مانع بودن جرایم عمدی متعدد از تعلیق مجازات، حتی در صورت عدم تعدد جرم از انواع مختلف

جرایم عمدی متعدد عنوان شده در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی^۱ اعم است از جرائم عمدی متعدد از یک نوع یا جرائم عمدی متعدد از انواع مختلف، زیرا بدون وجود نص نمی توان اطلاق آن را از بین برد یا به نوع معینی اختصاص داد.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۶۷۶ مورخ ۱۳۸۸/۵/۳)

۱۹. چگونگی تعیین میزان و مساحت اراضی تغییر کاربری داده شده

تشخیص تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها بنظر سازمان جهاد کشاورزی است و نظر این سازمان ملاک عمل خواهد بود. ولی اگر کسی به میزان و مساحت اراضی تغییر کاربری داده شده اعتراض داشته باشد هر چند تشخیص و نظر سازمان بمنزله نظر کارشناس رسمی تلقی شده است ولی چون طبق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و یا کیفری نظر کارشناس رسمی نیز چنانچه بنظر دادگاه موافق اوضاع و احوال قضیه نبوده و یا خلاف مقررات قانونی باشد موضوع را به هیأت کارشناسان ارجاع نماید لذا در این مورد نیز در صورت اعتراض متهم به

۱. ماده ۳۶: «مقررات مربوط به تعلیق مجازات درباره کسانی که به جرایم عمدی متعدد محکوم می شوند قابل اجرا نیست و همچنین اگر درباره یک نفر احکام قطعی متعددی در مورد جرایم عمدی صادر شده باشد که در بین آنها محکومیت معلق نیز وجود داشته باشد دادستان مجری حکم موظف است فسخ قرار یا قرارهای تعلیق را از دادگاه صادر کننده بخواهد. دادگاه نسبت به فسخ قرار یا قرارهای مزبور اقدام خواهد نمود».

مقدار و مساحت اراضی تغییر داده شده، دادگاه می تواند موضوع را به هیأت کارشناسان ارجاع نماید و چون متهم به نظر سازمان جهاد کشاورزی اعتراض می نماید پرداخت دستمزد کارشناسان نیز بعهده وی خواهد بود.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۶۷۷ مورخ ۱۳۸۸/۵/۳)

۲۰. عدم شمول مادتین ۳ و ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری نسبت

به کارکنان بانکهای خصوصی، صندوقهای قرض الحسنه و مؤسسات اعتباری

جرائم ارتشاء موضوع ماده ۳ و اختلاس موضوع ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ در مورد کارکنان بانکهای خصوصی و صندوق های قرض الحسنه و مؤسسات اعتباری با توجه به اینکه کارکنان مؤسسات یادشده کارمند رسمی دولت نمی باشند مشمول مقررات ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیستند و در صورتی که اشخاص فوق الذکر مرتکب جرائم مذکور در استعلام شوند مواد ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی و بعد آن درباره آنها قابلیت اجرایی دارد.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۲۶۸۰ مورخ ۱۳۸۸/۵/۴)

بخش چهارم:

مصوبات هیأت وزیران

۱. افزایش مستمریهای موضوع آیین نامه اجرایی ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت

وکلاء و کارگشایان دادگستری

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۶/۴ بنا به پیشنهاد شماره ۸۸/۰۱/۷۶۸۰ مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۶ وزارت دادگستری و به استناد ماده واحده قانون اصلاح ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری - مصوب ۱۳۷۵ - تصویب نمود:

مستمریهای موضوع آیین نامه اجرایی ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری موضوع تصویب نامه شماره ۸۱۸۱۷/ت/۱۷۹۸۵ هـ مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۲۶ از ابتدای سال ۱۳۸۸ به میزان بیست و یک درصد (۲۱٪) افزایش می یابد.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۰۹ مورخ ۱۳۸۸/۷/۵)

۲. اساسنامه سازمان ملی زمین و مسکن

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۹/۲۴ بنا به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی و تأیید معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و به استناد ماده (۷) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - اساسنامه سازمان ملی زمین و مسکن را به شرح زیر تصویب نمود:

فصل اول - کلیات و سرمایه:

ماده ۱- سازمان ملی زمین و مسکن، شرکتی دولتی و وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی است که در این اساسنامه به اختصار «سازمان» نامیده می شود.

ماده ۲- مرکز اصلی سازمان، تهران است و در مراکز استانها و برحسب نیاز در شهرهای مختلف هر استان می تواند با رعایت قوانین و مقررات مربوط و با تصویب مجمع عمومی، شعب یا نمایندگیهایی داشته باشد. شعبه عبارت از واحد عملیاتی سازمان در مرکز هر استان و نمایندگی واحد عملیاتی مستقر در شهر تابعه استان می باشد.

ماده ۳- سازمان دارای شخصیت حقوقی مستقل است و به صورت شرکت سهامی خاص برای مدت نامحدود اداره می‌شود. سازمان دارای استقلال مالی بوده و تابع این اساسنامه و سایر قوانین مربوط به شرکتهای دولتی می‌باشد.

ماده ۴- سرمایه سازمان مبلغ هشتصد و بیست و نه میلیارد و پنجاه و هشت میلیون و هفتصد و هفت هزار و پانصد و پنجاه و نه (۸۲۹,۰۵۸,۷۰۷,۵۵۹) ریال و منقسم به هشتاد و دو میلیون و نهصد و پنج هزار و هشتصد و هفتاد (۸۲,۹۰۵,۸۷۰) سهم ده هزار ریالی است که تماماً تأدیه گردیده و صددرصد (۱۰۰٪) متعلق به دولت می‌باشد.

ماده ۵ - هدف از تشکیل سازمان، برنامه‌ریزی و ساماندهی فعالیتهای تصدی وزارت مسکن و شهرسازی در زمینه‌های زیر می‌باشد:

الف - تأمین، اداره و بهره‌برداری از زمین؛

ب - فعالیت در زمینه تأمین مسکن در چارچوب طرح جامع مسکن و سیاستهای ابلاغی دولت و وزارت مسکن و شهرسازی؛

ج - نظارت و کنترل بر بازار زمین و مسکن و اعمال تدابیر لازم برای کنترل بهای آن؛

فصل دوم - موضوع فعالیت و وظایف سازمان:

ماده ۶ - موضوع فعالیت سازمان به شرح زیر می‌باشد:

۱- اجرای امور و وظایف مندرج در قوانین و مقررات مربوط درخصوص زمین و مسکن در محدوده و حریم شهرها و شهرکها در راستای حفظ حقوق و نمایندگی و اعمال مالکیت دولت نسبت به زمینهای موات، دولتی، اراضی و مراتع ملی، حریم و مستحدث و ساحلی، اراضی و باغات و مستغلات خالصه و عرصه اعیان احداثی در زمینهای خالصه، شهرکها و مجتمع‌های نیمه تمام متوقف و دیگر اراضی و املاکی که اجرای امور آنها در محدوده و حریم شهرها و شهرکها به سازمان مسکن، سازمان زمین شهری و سازمان ملی زمین و مسکن محول گردیده و انجام سایر وظایف اجرایی که به موجب قوانین و مقررات به عهده وزارت مسکن و شهرسازی قرار گرفته یا می‌گیرد در چهارچوب سیاستهای دولت و قوانین و مقررات مربوط.

۲- ارایه پیشنهادهای لازم در زمینه راهبردها، سیاستها، برنامه‌های میان مدت و کوتاه مدت، ضوابط، مقررات و دستورالعملهای لازم مرتبط با اهداف و موضوعات فعالیت و وظایف سازمان به وزارت مسکن و شهرسازی به منظور سیر مراحل تصویب در مراجع ذیصلاح.

۳- اجرای برنامه‌های حمایتی تأمین مسکن گروههای کم درآمد، ایجاد مجتمعهای مسکونی و شهرکها، سرمایه‌گذاری و مشارکت در امر تأمین مسکن در محدوده شهرها و شهرکها براساس سیاستهای ابلاغی از طرف وزارت مسکن و شهرسازی با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

۴- الگوسازی در زمینه‌های طراحی شهری، طراحی و اجرای واحدهای مسکونی و جزییات شهری از طریق اجرای طرحها و پروژه‌های ویژه، با هماهنگی حوزه‌های تخصصی در داخل وزارت مسکن و شهرسازی.

۵ - واگذاری اراضی، املاک و مستحدثات ملکی مورد تصدی به عنوان معوض یا در قبال مطالبات اشخاص از سازمان از طریق مصالحه، تهاتر، معاوضه، فروش و اجاره دادن اراضی، املاک، مستحدثات ملکی مورد تصدی با رعایت مقررات مربوط و ضوابط شهرسازی و طرحهای توسعه عمران.

۶ - تملیک و تملک، خرید توافقی، اجاره کردن، تهاتر، معاوضه اراضی و املاک با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

۷- اعمال تصدی حقوق مالکیت نسبت به اراضی و املاک دولتی در اختیار به‌نماینده‌گی از دولت (وزارت مسکن و شهرسازی) از قبیل شناسایی، حفاظت و نظارت، نقشه‌برداری، تجمیع، تفکیک و افراز آنها و طرح تعقیب و دفاع از دعوای مربوط براساس سیاستهای ابلاغی وزارت مسکن و شهرسازی با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

۸ - جلب، هدایت و تجهیز منابع مردمی و غیردولتی و همچنین اخذ کمکهای دولتی از طریق مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی، حمایت از تشکیل شرکتهای سهامی عام و نظایر آن، انتشار اوراق مشارکت، تحصیل وام از مؤسسات اعتباری و پولی و سیستم بانکی با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

- ۹ - برنامه‌ریزی و ایجاد زمینه برای استفاده از خدمات و منابع مالی مؤسسات و شرکتهای خارجی برای فعالان امر مسکن در کشور و در صورت لزوم عقد قرارداد برای استفاده از خدمات و منابع آنها برای سازمان با رعایت قوانین و مقررات مربوط.
- ۱۰- ارائه خدمات فنی و مهندسی و دانش استفاده از فناوری‌های نوین در تولید مصالح، قطعات ساختمانی و ساخت در اجرا و عملیاتی کردن برنامه‌ها و طرحهای تأمین مسکن کشور.
- ۱۱- تنظیم امور مربوط به واگذاری کارخانجات خانه‌سازی به بخش خصوصی یا غیردولتی با اعمال برنامه‌ها و سیاستهای تشویقی و حمایتی با رعایت قوانین و مقررات مربوط.
- ۱۲- حمایت، تشویق، ترغیب و هدایت بخشهای خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی در جهت تأسیس، ایجاد و بازسازی کارخانجات خانه‌سازی یا قطعات و مصالح ساختمانی و همچنین اصلاح یا تغییر خط تولید کارخانجات به منظور افزایش سرعت، کیفیت و تولید صنعتی مسکن.
- ۱۳- طراحی، احداث، خرید، اجاره کردن، تعمیر و نگهداری، تخریب و نوسازی، اجاره دادن و اداره خانه‌های سازمانی در حدود قوانین و مقررات مربوط و اعتباراتی که به این منظور در اختیار سازمان قرار می‌گیرد.
- ۱۴- حمایت از فعالیتهای بخشهای خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی در زمینه تأمین مسکن گروههای کم‌درآمد و نیازمند، کوچک‌سازی، انبوه‌سازی از طریق واگذاری زمین، ایجاد تسهیلات، تخفیفات ارایه کمکهای فنی براساس سیاستهای ابلاغی وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۱۵- حمایت از تحقیقات، فعالیتهای علمی، توسعه منابع انسانی و سایر عوامل موثر در بهبود مدیریت امور مرتبط با اهداف سازمان.
- ۱۶- تضمین لازم جهت خرید تولیدات و واحدهای مسکونی احداثی توسط بخشهای خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی در چارچوب سیاستهای ابلاغی وزارت مسکن و شهرسازی و مقدمات مالی سازمان.

۱۷- گردآوری اطلاعات، ایجاد نظامهای اطلاعاتی مرتبط با نیازهای سازمان و تشکیل بانکها و پایگاههای اطلاعاتی در زمینههای زمین و مسکن، روشهای ساخت، قطعات و مصالح ساختمانی و سایر وظایف سازمان.

۱۸- انجام مطالعات کاربردی مرتبط با وظایف سازمان.

۱۹- هماهنگی با مراجع و دستگاههای ذیربط در مورد تهیه برنامههای اجرایی زمین و مسکن و امور شهرسازی و معماری.

فصل سوم - ارکان سازمان

ماده ۷ - ارکان سازمان به شرح زیر است:

۱- مجمع عمومی

۲- هیئت مدیره و مدیرعامل

۳- بازرس (حسابرس)

ماده ۸ - نمایندگی سهام دولت در مجمع عمومی با وزیر مسکن و شهرسازی، امور اقتصادی و دارایی، نیرو و صنایع و معادن و معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور می باشد.

ریاست مجمع عمومی با وزیر مسکن و شهرسازی است. مجامع عمومی سازمان عبارتند از مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق العاده که جلسات آنها با حضور سه عضو رسمیت می یابد و تصمیمات آنها با سه رأی موافق که مشتمل بر رأی وزیر مسکن و شهرسازی باشد، معتبر است.

ماده ۹ - مجمع عمومی عادی حداقل سالی دو بار به دعوت رئیس مجمع عمومی یا رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و در صورت عدم اقدام ایشان در مهلت مقرر، بنا به دعوت بازرس (حسابرس) قانونی شرکت برای بررسی صورتهای مالی و عملکرد سال قبل و انتخاب بازرس (حسابرس) و تصویب برنامه و بودجه سال بعد و همچنین رسیدگی به سایر موضوعات

مذکور در دستور جلسه مجمع عمومی عادی تشکیل می‌شود. مجمع عمومی عادی در صورت لزوم به طور فوق‌العاده نیز تشکیل می‌شود.

ماده ۱۰ - مجمع عمومی فوق‌العاده و مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده به تقاضای هریک از اعضای مجمع عمومی، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل و یا بازرس (حسابرس) و به دعوت رئیس مجمع عمومی یا رئیس هیئت‌مدیره با حضور رئیس مجمع عمومی تشکیل می‌گردد. دعوت از مجمع عمومی، به صورت کتبی با ذکر تاریخ، محل تشکیل و دستور جلسه به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۱ - وظایف و اختیارات مجمع عمومی به شرح زیر است:

الف - وظایف و اختیارات مجمع عمومی عادی:

- ۱- بررسی و تصویب خط‌مشی و سیاست‌های کلی سازمان.
- ۲- بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به گزارش عملکرد سالانه، گزارش بازرس و صورت‌های مالی شرکت.
- ۳- اتخاذ تصمیم نسبت به حساب سود و زیان، اندوخته‌ها و نحوه تقسیم سود ویژه شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط.
- ۴- بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به بودجه سالانه و برنامه و بودجه تلفیقی سازمان و تغییرات آن.
- ۵ - بررسی و تأیید ساختار کلان سازمان با رعایت قوانین و مقررات مربوط.
- ۶ - اتخاذ تصمیم نسبت به تأسیس شرکت یا مشارکت در سایر شرکت‌ها با رعایت قوانین و مقررات مربوط و تجویز تأسیس شعب یا نمایندگی در داخل کشور.
- ۷ - تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی سازمان با رعایت ضوابط و مقررات مربوط به هیئت‌وزیران برای تصویب.
- ۸ - تعیین حقوق و مزایای اعضای هیئت‌مدیره جهت تصویب توسط شورای حقوق و دستمزد و تعیین حق‌الزحمه بازرس (حسابرس) وفق قوانین و مقررات مربوط در چارچوب سیاست‌های کلی دولت.

- ۹ - پیشنهاد آیین‌نامه‌های اداری و استخدامی و ساختار سازمانی به معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور.
- ۱۰ - تصویب سیاستهای حمایتی و شرایط کلی ایجاد تسهیلات و اعطای تخفیفات بنا به پیشنهاد رییس مجمع عمومی یا هیئت‌مدیره سازمان وفق قوانین و مقررات مربوط.
- ۱۱ - انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و بازرس (حسابرس) سازمان.
- ۱۲ - اتخاذ تصمیم راجع به مطالبات مشکوک‌الوصول و لاوصول وفق قوانین و مقررات مربوط.
- ۱۳ - اتخاذ تصمیم نسبت به رفع اختلاف شرکت با سایرین از نظر ارجاع موارد به داوری یا صلح و سازش با آنها با رعایت اصل (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین و مقررات مربوط.
- تبصره - در جهت پیشبرد اهداف و برنامه‌های وزارت مسکن و شهرسازی در استانها، مجمع عمومی نسبت به بررسی و تصویب سیاستهای حمایتی و راهبردی به منظور وحدت مدیریت، تحکیم و اقتدار عملیاتی رؤسای سازمان‌های مسکن و شهرسازی استانها به پیشنهاد رییس مجمع عمومی اقدام نماید.

ب - وظایف و اختیارات مجمع عمومی فوق‌العاده:

- ۱ - اتخاذ تصمیم نسبت به افزایش یا کاهش سرمایه سازمان در چارچوب قانون و ارایه پیشنهاد به هیئت‌وزیران جهت تصویب.
- ۲ - بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به اصلاح یا تغییر مواد اساسنامه سازمان و ارایه پیشنهاد به هیئت‌وزیران جهت تصویب.
- ۳ - بررسی و اتخاذ تصمیم نسبت به انحلال سازمان و ارایه پیشنهاد به هیئت‌وزیران جهت تصویب.
- ماده ۱۲ - هیئت‌مدیره سازمان متشکل از پنج (۵) عضو اصلی است. رییس هیئت‌مدیره و مدیرعامل که عنوان معاون وزیر مسکن و شهرسازی را خواهد داشت به پیشنهاد رییس مجمع

عمومی و تصویب مجمع یاد شده و تأیید هیئت وزیران و اعضای هیئت‌مدیره بنا به پیشنهاد رئیس مجمع عمومی و تصویب مجمع مذکور به مدت سه سال انتخاب و منصوب می‌گردند و تا موقعی که تجدید انتخابات به عمل نیامده است در مقام خود باقی خواهند بود و انتخاب مجدد آنان بلامانع است. در صورت بازنشستگی، استعفاء، عزل، فوت و یا هر دلیل دیگری که ادامه فعالیت هریک از اعضای هیئت‌مدیره غیرممکن گردد، جانشین آنان به ترتیب یادشده تعیین می‌شود. قبول استعفای هریک از اعضای هیئت‌مدیره سازمان با رئیس مجمع و عزل هریک از آنان از اختیارات مجمع عمومی می‌باشد.

ماده ۱۳- جلسات هیئت‌مدیره با حضور رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل و حداقل سه نفر از اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیمات متخذه با اکثریت آراء معتبر می‌باشد. تصمیمات با ذکر نظر اقلیت در دفتر مخصوص ثبت و به امضای اعضاء حاضر در جلسه می‌رسد.

ماده ۱۴- هیئت‌مدیره در حدود مقررات این اساسنامه جز درباره موضوعاتی که اخذ تصمیم و اقدام دوباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است، دارای اختیارات کامل برای اداره امور شرکت و اجرای وظایف مصرح در اساسنامه می‌باشد و از جمله دارای وظایف زیر می‌باشد:

- ۱- پیشنهاد خطمشی و سیاستهای کلی سازمان برای تصویب در مجمع عمومی.
- ۲- بررسی، تصویب، نظارت و اصلاح شیوه‌های اجرایی سازمان.
- ۳- بررسی و تأیید گزارش عملکرد سالانه، حساب سود و زیان، صورتهای مالی و بودجه سالانه سازمان برای ارایه به مجمع عمومی، به نحوی که حداقل بیست (۲۰) روز قبل از تشکیل مجمع عمومی در اختیار کلیه اعضای مجمع و بازررس (حسابرس) قرارگیرد.
- ۴- پیشنهاد آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری و استخدامی سازمان برای تأیید مجمع عمومی و طرح و تصویب توسط هیئت‌وزیران.
- ۵ - پیشنهاد صلح دعاوی یا ارجاع امر به داوری و تعیین داور به مجمع عمومی با رعایت اصل (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین و مقررات مربوط.
- ۶ - اتخاذ تصمیم نسبت به سازش و استرداد دعاوی.

- ۷- بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد چگونگی دریافت تسهیلات اعتباری با رعایت قوانین و مقررات مربوط و بودجه مصوب.
- ۸- اتخاذ تصمیم نسبت به خرید، فروش (نقدی یا اقساطی)، اجاره دادن، اجاره کردن، اجاره به شرط تملیک، مشارکت و معاوضه هرگونه لوازم و اموال منقول و داراییهای جاری غیرمنقول، حقوق و خدماتی که برای اجرای وظایف محوله باشد با رعایت قوانین و مقررات مربوط.
- ۹- اتخاذ تصمیم در مورد واگذاری، فروش یا معاوضه اموال، اراضی و ساختمانهای ملکی (دارایی ثابت) برای رفع نیاز اداری و تأسیساتی سازمان در حدود آیین نامه های مصوب و در صورت لزوم ارایه پیشنهاد لازم به مجمع عمومی با رعایت قوانین و مقررات مربوط.
- ۱۰- تصویب قیمت اراضی و مستحقات مورد خرید یا فروش سازمان و اعمال حقوق و اختیاراتی که طبق قوانین و مقررات مربوط و این اساسنامه در وظیفه سازمان قرار گرفته است.
- ۱۱- پیشنهاد ضوابط و شرایط کلی ایجاد تسهیلات، سیاستهای حمایتی و اعطای تخفیفات و نیز ارایه راهبردهای اجرایی درخصوص مطالبات مشکوک الوصول به مجمع عمومی و همچنین اتخاذ تصمیم نسبت به تقسیط، اعطای تسهیلات با تعیین مصادیق آن در چارچوب سیاستها، روشها، ضوابط و شرایط مصوب مجمع عمومی.
- ۱۲- اتخاذ تصمیم درخصوص واگذاری اراضی، املاک و مستحقات ملکی و مورد تصدی به عنوان معوض و یا در قبال مطالبات اشخاص حقیقی و حقوقی سازمان یا ناشی از وظایف محوله با رعایت قوانین و مقررات.
- ۱۳- واگذاری و تعیین حق الزحمه کارگزاری امور اجرایی و پشتیبانی سازمان با حفظ مسئولیت به اشخاص حقیقی و حقوقی.
- ۱۴- تهیه تشکیلات تفصیلی سازمان در چارچوب تشکیلات کلان سازمان با رعایت قوانین و مقررات مربوط جهت تأیید توسط مراجع ذیصلاح.
- ۱۵- تصویب دوره ها و برنامه های آموزشی در جهت تربیت و ارتقای دانش مدیران و کارکنان سازمان در سقف بودجه مصوب با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

۱۶- اتخاذ تصمیم درخصوص رفاه کارکنان و تأمین تسهیلات لازم در چارچوب مقررات مربوط.

تبصره ۱- هیئت مدیره می‌تواند قسمتی از اختیارات و وظایف اجرایی خود را با حفظ مسئولیت به رؤسای سازمان‌های مسکن و شهرسازی استان‌ها یا بعضی از اعضای هیئت مدیره منفرداً یا مشترکاً تفویض نماید.

تبصره ۲- تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفادحساب مدیران برای همان دوره مالی می‌باشد.

تبصره ۳- اختیار ارجاع به داوری و صلح دعاوی موضوع اصل (۱۳۹) قانون اساسی موضوع بند (۵) این ماده به وزرای عضو مجمع عمومی سازمان تفویض می‌شود. همچنین اجرای تصمیمات راجع به سازش موضوع بند (۶) این ماده منوط به تصویب وزرای یادشده می‌باشد. تصمیمات وزرای یادشده پس از تأیید رئیس جمهور با رعایت ماده (۱۹) آیین‌نامه داخلی هیئت دولت ابلاغ خواهد شد.

ماده ۱۵- رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان بالاترین مقام اجرایی و اداری سازمان بوده و بر کلیه ادارات تابعه سازمان ریاست دارد و مسئول حسن جریان کلیه امور و حفظ حقوق و منافع و اموال و سرمایه سازمان می‌باشد و برای اداره امور سازمان و اجرای مصوبات عمومی و هیئت مدیره دارای هرگونه حقوق و اختیارات قانونی می‌باشد و نمایندگی سازمان و دولت را در مقابل کلیه مراجع و مقامات قضایی، کشوری و لشکری و سازمانها و مؤسسات و نهادها و بنیادها و اشخاص با حق توکیل به عهده دارد.

ماده ۱۶- وظایف و اختیارات رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- اجرای مصوبات مجمع عمومی و هیئت مدیره.
- ۲- تهیه بودجه سالانه و گزارش عملکرد، حساب سود و زیان و صورتهای مالی سازمان به نحوی که حداقل یک ماه قبل از تشکیل مجمع عمومی در اختیار هیئت مدیره قرار گیرد.
- ۳- پیشنهاد برنامه اجرایی سازمان به هیئت مدیره.

۴- تهیه و پیشنهاد آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری و استخدامی سازمان به هیئت مدیره.

۵- پیشنهاد تشکیلات تفصیلی سازمان به هیئت مدیره.

۶- تهیه و ابلاغ دستورالعمل‌ها و روش‌های اجرایی مصوبات مجمع عمومی و هیئت مدیره با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

۷- عزل و نصب و ارتقاء و اعطای پاداش و اضافه حقوق و مزایا و اضافه کار و اخذ تصمیم درباره کلیه امور استخدامی کارکنان سازمان طبق مقررات مربوط.

۸- اعمال نظارتهای مالی و محاسباتی و حسابرسی نسبت به امور سازمان و بازرسی کلیه قسمت‌ها شعب و نمایندگی‌ها و ادارات تابعه سازمان.

۹- اهتمام در تأمین رفاه و آموزش کارکنان.

۱۰- انتخاب و انتصاب مدیرشعب و نمایندگی‌ها.

تبصره - رییس هیئت مدیره و مدیرعامل می‌تواند تمام یا قسمتی از اختیارات و همچنین حق امضای خود را با حفظ مسئولیت به هر یک از اعضای هیئت مدیره، رؤسای قسمت‌ها، متصدیان امور و کارکنان سازمان، رؤسای شعب و نمایندگی، رؤسای سازمان‌های مسکن و شهرسازی استانها به تشخیص خود تفویض کند تا انجام اموری را که به این طریق به آنها محول می‌گردد، زیر نظر وی بر عهده بگیرند.

ماده ۱۷- افتتاح حساب در بانک‌ها و امضای اسناد و اوراق مالی و قراردادهای و اسناد تعهدآور سازمان باید به امضای رییس هیئت مدیره و مدیرعامل یا نماینده وی و یکی از اعضای هیئت مدیره برسد و در شعب و نمایندگی‌ها و ادارات سازمان صاحبان امضاهای مجاز و حدود اختیارات آنان با پیشنهاد رییس هیئت مدیره و مدیرعامل و تصویب هیئت مدیره تعیین می‌گردد. کلیه چک‌ها علاوه بر امضای مقامات مذکور به امضای ذیحساب یا نماینده وی نیز می‌رسد. مکاتبات اداری با امضای مدیرعامل یا نماینده وی صورت می‌پذیرد.

ماده ۱۸- بازررس (حسابرس) شرکت، سازمان حسابرسی یا از حسابداران رسمی و مؤسسات حسابرسی موضوع قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران - مصوب

۱۳۷۲- می‌باشد که با تصویب مجمع عمومی برای مدت یکسال انتخاب خواهد شد و تا زمانی که جانشین وی انتخاب نشده است به وظایف خود ادامه خواهد داد و انتخاب مجدد وی بلامانع است.

تبصره ۱- بازرس (حسابرس) مکلف است نسخه‌ای از گزارشات خود را حداقل پانزده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی به اعضای مجمع عمومی و هیئت مدیره تسلیم نماید.

تبصره ۲- اقدامات بازرس (حسابرس) در انجام وظایف خود نباید موجب دخالت در عملیات اجرایی یا سبب وقفه یا مانع جریان کارهای عادی سازمان گردد.

فصل چهارم - ترازنامه و حساب سود و زیان:

ماده ۱۹- سال مالی سازمان از اول فروردین ماه هر سال شروع و در آخر اسفندماه همان سال پایان می‌یابد.

ماده ۲۰- صورتهای مالی سازمان باید طبق ضوابط مربوط قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی در اختیار بازرس (حسابرس) قرار داده شود.

فصل پنجم - سایر مقررات:

ماده ۲۱- سازمان از نظر سیاستها، برنامه‌های بخشی و سایر فعالیت‌های اجرایی تابع ضوابط و مقررات وزارت مسکن و شهرسازی است.

ماده ۲۲- سازمان از پرداخت هرگونه حق تمبر و هزینه‌های ثبتی و معاملاتی بابت آماده‌سازی، افراز و تفکیک و فروش راجع به اراضی و املاک معاف می‌باشد.

تبصره - سرمایه‌گذاری از منابع داخلی سازمان برای ایجاد تأسیسات روبنایی در آماده‌سازی اراضی و احداث مساجد و فضاهای آموزشی، خدماتی و فرهنگی به عنوان پیش‌پرداخت مالیاتی سازمان منظور می‌گردد.

ماده ۲۳- علاوه بر بودجه طرحهای مطالعاتی، تحقیقاتی و آموزشی سازمان، یک درصد (۱٪) از بودجه سالانه سازمان برای امر مطالعه، تحقیق و آموزش، براساس ترتیبات و برنامه‌ای که وزارت مسکن و شهرسازی مورد تأیید قرار می‌دهد، در چارچوب قوانین و مقررات توسط هیئت مدیره سازمان هزینه خواهد شد.

ماده ۲۴- در مواردی که اختیارات و وظایف اجرایی هیئت مدیره و مدیرعامل به سازمانهای مسکن و شهرسازی استانها تفویض می‌گردد، هیئت مدیره می‌تواند تا یک درصد (۱٪) از بودجه سالانه شرکت را براساس ترتیباتی که وزارت مسکن و شهرسازی مورد تأیید قرار می‌دهد، برای کارکنان سازمانهای مسکن و شهرسازی استانها تأمین و هزینه نماید.

ماده ۲۵- مواردی که در این اساسنامه پیش‌بینی نشده‌اند طبق قوانین و مقررات مربوط عمل خواهد شد.

این اساسنامه به موجب نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۳۷۲۹ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۴ شورای نگهبان به تأیید شورای یاد شده رسیده است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۱۴ مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۱)

۳. آیین‌نامه روان‌سازی و سلامت ترانزیت خارجی کالا از کشور

وزیران عضو کارگروه ساماندهی، هماهنگی و توسعه و تشویق امر خدمات عبور کالا از کشور (ترانزیت) به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۵۶۲۹۱/ت/۳۸۶۹۳-هـ مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۶، آیین‌نامه روان‌سازی و سلامت ترانزیت خارجی کالا از کشور را به شرح ذیل تصویب نمودند:

ماده ۱ - ترانزیت خارجی کالا صرفاً مشمول تعریف مذکور در ماده (۱) قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۴- می‌باشد.

ماده ۲- کامیونهای حامل کالاهای ترانزیتی پس از انجام تشریفات گمرکی و بارگیری و قبل از خروج از گمرک مربوط باید مبادرت به دریافت پروانه تردد از نمایندگان سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای نمایند.

تبصره ۱- زمان سفر براساس هر شبانه‌روز پانصد کیلومتر محاسبه و در پروانه تردد قید می‌گردد.

تبصره ۲- زمان سفر کامیون‌های حامل کالاهای ترافیکی تابع ضوابط خاص خود می‌باشد.
ماده ۳- نمایندگان سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای موظفند مشخصات کامیون‌هایی را که برای آنها پروانه تردد صادر می‌گردد، با ذکر نام کالا و مبدأ و مقصد آن در پایان هر روز به طریق مقتضی به نیروی انتظامی ارسال نمایند.
ماده ۴- کامیون‌های حامل کالاهای ترانزیتی باید دقیقاً در مسیر تعیین شده در پروانه تردد حرکت نمایند.

ماده ۵- چنانچه وسیله نقلیه حامل کالاهای ترانزیتی در طول مسیر به علت نقص فنی یا دلایل موجه دیگر متوقف گردد، باید طبق تبصره‌های (۲)، (۳) و (۴) ماده (۳۷) آیین‌نامه اجرایی قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۸۵۸۲/ت/۱۹۷۸۹ هـ مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۰ عمل نموده و مدارک مربوط را در طول مسیر همراه داشته باشد.

ماده ۶- سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای مسیرهای ترانزیتی را به نیروی انتظامی اعلام تا در مسیرهای مذکور نظارت لازم را بر کامیون‌های حامل کالاهای ترانزیتی به عمل آورده و در صورت انحراف کامیون‌ها از مسیر، ضمن هدایت آنها به مسیرهای تعیین‌شده، مراتب را به سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای اعلام نماید.
تبصره - سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای موظف است مسیرهای ترانزیتی را با نصب تابلوی خاص مشخص نماید.

ماده ۷- در صورت عدم رعایت مسیر توسط رانندگان مربوط، علاوه بر جریمه رانندگی مقرر، متخلفان توسط سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای از یک ماه تا یک سال از فعالیت در امر حمل و نقل بین‌المللی و حمل کالاهای ترانزیتی محروم می‌گردند.

ماده ۸- فک پلمب و بازرسی کامیون‌های حامل محمولات ترانزیتی جز در موارد مقرر در ماده (۱۹) آیین‌نامه اجرایی قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران ممنوع می‌باشد.

ماده ۹- نیروی انتظامی در بنادر امام خمینی، شهید رجایی و شهید باهنر مطابق با ساعت کاری بنادر مذکور در مجموعه سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای یک نفر با لباس شخصی صرفاً برای مهر نمودن پروانه تردد وسیله نقلیه حامل کالاهای ترانزیتی (پروانه صادرشده از سوی نمایندگان سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای) مستقر نموده تا به هنگام خروج وسیله نقلیه از گمرک پروانه یادشده را مهر نماید.

ماده ۱۰- واحدهای اجرایی نیروی انتظامی در طول مسیر صرفاً پروانه تردد وسیله نقلیه را کنترل و مهر می‌نمایند و از مطالبه دیگر مدارک مربوط و کنترل آنها خودداری می‌نمایند، مگر در موارد ظن قوی که طبق ماده (۸) عمل می‌نمایند.

تبصره ۱- واحدهای اجرایی کنترل‌کننده طول مسیر برحسب بعد مسافت حداکثر سه واحد خواهند بود.

تبصره ۲- اسامی واحدهای اجرایی کنترل‌کننده پروانه تردد در طول مسیر، توسط نیروی انتظامی به سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای و گمرک معرفی می‌گردند.

تبصره ۳- مفاد این ماده شامل کامیون‌های حامل کالاهای ترانزیتی که از بنادر و مرزهای زمینی بارگیری یا وارد می‌شوند، می‌گردد.

ماده ۱۱- شرکتهای حمل و نقل بین‌المللی ترانزیت‌کننده اجازه بارگیری وسایط نقلیه غیر تحت پوشش را ندارد مگر با اجازه کتبی دفتر مرکزی شرکتی که کامیون، تحت پوشش آن می‌باشد.

ماده ۱۲- شرکتهای حمل و نقل بین‌المللی در صورت نیاز به استفاده از کامیون یا کامیون‌های خطوط داخلی لازم است درخواست کتبی خود را به یکی از شرکتهای حمل و نقل داخلی دارای مجوز فعالیت معتبر اعلام و پس از معرفی کتبی کامیون یا کامیون‌ها از سوی شرکت حمل و نقل داخلی، مبادرت به بارگیری و درخواست صدور پروانه تردد نماید.

ماده ۱۳- هرگونه دخالت سازمانها و یا دستگاههای غیرمسئول برای ایجاد محدودیت در امر ترانزیت خارجی ممنوع است.

ماده ۱۴- مصادیق قاچاق کالای ترانزیت خارجی براساس قانون امور گمرکی و قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل می‌باشد:
الف - خارج نکردن کالای ترانزیت خارجی به استناد اسناد خلاف واقع مبنی بر خروج کالا.

ب - تعویض کالای ترانزیتی، کسر آن یا اضافه نمودن به آن.

ج - خارج نکردن کالای ترانزیتی از کشور که ورود یا صدور قطعی آن ممنوع یا مشروط باشد ظرف مهلت مقرر جز در مواردی که ثابت شود در عدم خروج سوء نیتی نبوده است.

د - تخلف موضوع تبصره (۲) ماده (۱۳) این آیین‌نامه و نیز اظهار خلاف موضوع تبصره (۳) ماده یادشده.

هـ - خروج کالای ترانزیتی بدون اظهار و انجام تشریفات گمرکی از اماکن گمرکی یا اقدام به بارگیری آن در نقاط مجاز قبل از انجام تشریفات گمرکی مقرر در فصول اول، دوم و سوم از قسمت دوم آیین‌نامه اجرایی قانون امورگمرکی.

تبصره - چنانچه محموله ترانزیتی سرقت شود و ترانزیت‌کننده به تشخیص مراجع ذیصلاح قضایی مباشرت یا دخالتی در آن نداشته باشد، موضوع قاچاق محسوب نمی‌گردد و پس از کشف کالای سرقت‌شده، بلافاصله برای ادامه ترانزیت به ترانزیت‌کننده تحویل داده می‌شود و در صورت عدم کشف کالا، نسبت به اخذ حقوق ورودی آن اقدام می‌شود.

ماده ۱۵- رانندگانی که مبادرت به حمل کالای ترانزیتی می‌نمایند، چنانچه شخصاً یا با مشارکت صاحبان کالا و یا اشخاص ثالث مبادرت به قاچاق کالای مربوط نمایند و یا در اثر سهل‌انگاری آنها کالا سرقت و یا حیف و میل شود، منوط به احراز تخلف وی در مراجع ذیصلاح، علاوه بر مجازاتهای مقرر در قانون مربوط از یک تا پنج سال برحسب نظر سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای از فعالیت در امر حمل و نقل بین‌المللی و حمل کالاهای ترانزیتی محروم می‌گردند.

ماده ۱۶- در مواردی که شرکت حمل و نقل ترانزیت کننده با تشخیص مراجع قضایی در امر قاچاق یا تخلف دخالتی نداشته باشد از هرگونه محدودیت یا پرداخت جریمه مبرا می باشد، ولی چنانچه برحسب رأی نهایی مراجع قضایی محکوم گردد، علاوه بر مجازات های مقرر در قانون مربوط بر حسب نظر کمیسیون مربوط سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای از فعالیت در امر حمل و نقل بین المللی و حمل و نقل کالاهای ترانزیتی به صورت موقت یا دائم محروم می گردند.

ماده ۱۷- سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای موظف است تیر پارک های لازم در مسیرهای ترانزیتی کشور را تکمیل نماید.

تبصره ۱- توقف کامیون های حامل کالاهای ترانزیتی فقط در تیر پارک ها یا نقاط تعیین شده توسط سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای مجاز می باشد.

تبصره ۲- سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای اسامی تیرپارک ها یا نقاط تعیین شده برای توقف کامیون های حامل کالای ترانزیتی را به نیروی انتظامی اعلام تا اقدامات انتظامی در جهت خروج و ورود آنها به صورت موردی انجام پذیرد.

تبصره ۳- کامیونهای حامل کالاهای ترانزیتی که در خارج از تیرپارک ها و نقاط تعیین شده توسط سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای توقف نمایند، توسط نیروی انتظامی به نقاط مذکور هدایت می گردند.

این تصویب نامه در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۷ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۱۸ مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۵)

۴. الحاق تبصره‌های (۱) تا (۵) به ماده (۳۶) آیین‌نامه اجرایی قانون حمل و نقل و عبور

کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران

وزیران عضو کارگروه ساماندهی، هماهنگی و توسعه و تشویق امر خدمات عبور کالا از کشور (ترانزیت) به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۵۶۲۹۱/ت/۳۸۶۹۳ هـ مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۶ تصویب نمودند:

متن ذیل به عنوان تبصره‌های (۱) تا (۵) به ماده (۳۶) آیین‌نامه اجرایی قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۸۵۸۲/ت/۱۹۷۸۹ هـ مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۰ اضافه می‌گردد:

تبصره ۱- هرگاه در گمرک ورودی در کالای ترانزیت خارجی کالای اضافی از همان نوع مازاد بر پنج درصد و کالای اضافی غیر هم نوع و یا کالای مغایر از حیث نوع و میزان و تعداد کشف شود، در صورت عدم ارائه اسناد مورد قبول گمرک طی سه ماه، کالای مغایر و مازاد به ضبط دولت در خواهد آمد و بقیه کالا با اصلاح اظهارنامه و اسناد عبور داده خواهد شد.

تبصره ۲- در موارد استثنایی که ظن قوی به تخلف وجود دارد و بر اثر کنترل‌های گمرکی در مسیر ترانزیت، اختلافی بین محموله و پروانه ترانزیت خارجی کشف شود، در مورد کالای اضافی نسبت به ضبط کالا و در مورد کالای کسری و مغایر طبق مقررات قاچاق اقدام خواهد شد.

تبصره ۳- کالاهایی که ترانزیت آنها بر اساس تبصره (۱) ماده (۳) قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران ممنوع اعلام شده (به غیر از کالاهایی که ورود آنها به موجب قوانین موضوعه جرم شناخته شده است) در صورت اظهار صحیح در گمرک ورودی باید توسط ترانزیت‌کننده عودت گردد و در صورت اظهار خلاف اسنادی کالاهای موصوف، با توجه به مقررات امور گمرکی قاچاق محسوب می‌گردد.

تبصره ۴- کانتینر آکبند با پلمب سالم مبدأ به منزله بسته آکبند تلقی می‌گردد و بدون نیاز به ارزیابی محتویات توسط سرویس ارزیابی و در خروج از گمرک فقط با مطابقت اسناد و

اظهارنامه با الصاق پلمب اضافی گمرک با صدور پروانه ترانزیت می‌گردند، مگر در موارد ظن قوی.

تبصره ۵ - در خصوص ترانزیت خارجی کالاهای تحت کنترل و مراقبت‌های هیئت بین‌المللی کنترل مواد مخدر (INCB) برابر مقررات مربوط به آن عمل خواهد شد. این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۷ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۱۸ مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۵)

۵. تصویب‌نامه در خصوص تأمین امکانات لازم سازمان بنادر و دریانوردی در بنادر کشور جهت

حضور ۲۴ ساعته گروه پاس کشتی‌ها

وزیران عضو کارگروه ساماندهی، هماهنگی و توسعه و تشویق امر خدمات عبور کالا از کشور (ترانزیت) به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۵۶۲۹۱/ت/۳۸۶۹۳-هـ مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۶ تصویب نمودند:

۱- سازمان بنادر و دریانوردی در بنادر کشور از جمله شهید رجایی، شهید باهنر، امام خمینی، خرمشهر، امیرآباد و انزلی محلی را جهت حضور ۲۴ ساعته گروه پاس کشتی‌ها (سازمان بنادر و دریانوردی، گمرک، قرنطینه، نیروی انتظامی و سایر ارگانهای ذی‌ربط) همراه با امکانات لازم تأمین نماید.

۲- نمایندگان سازمانها و ارگانهای عضو گروه پاس کشتی‌ها موظفند به صورت ۲۴ ساعته در بنادر مذکور حضور داشته و امور پاس کشتی‌ها را بدون فوت وقت انجام دهند. عدم حضور هریک از نمایندگان دستگاههای یادشده مانع از پهلودهی، تخلیه و بارگیری کشتی‌ها نخواهد شد و دستگاههای مذکور می‌توانند وظایف قانونی خود را در حین عملیات تخلیه و بارگیری کشتی انجام دهند.

۳- سازمان بنادر و دریانوردی موظف است هر سه ماه یک بار گزارش پیشرفت کار پاس‌کشتی‌ها را به دبیرخانه کارگروه ترانزیت اعلام نماید.
این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۷ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.
(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۱۸ مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۵)

۶. آیین‌نامه اجرایی بند (۲۷) قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۷/۱ بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی، امور اقتصادی و دارایی، دادگستری و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آیین‌نامه اجرایی بند (۲۷) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور را به شرح زیر تصویب نمود:

ماده ۱- اراضی دولتی موضوع این آیین‌نامه عبارتند از انواع اراضی دولتی در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) که تا پایان سال ۱۳۸۳ توسط مردم به صورت غیرمجاز تصرف و در آن بنا احداث شده باشد.

ماده ۲- تشخیص عدم مغایرت تصرفات و بنای احداثی با طرحهای شهری (جامع، تفصیلی و هادی) مصوب مراجع قانونی ذی‌ربط و احراز تصرفات و بنای احداث شده به تاریخ قبل از پایان سال ۱۳۸۳ و همچنین تشخیص رعایت تناسب عرصه و اعیان براساس ضوابط مربوط به عهده سازمان مسکن و شهرسازی استان محل وقوع زمین می‌باشد.

ماده ۳- بنای احداثی مورد قبول و مشمول این آیین‌نامه عبارت است از هرگونه بنای ساختمانی غیرمنقول احداث شده با مصالح ساختمانی بادوام از قبیل آجر، بلوک، سیمان، گچ، آهک، سنگ و سوله به نحوی که مستحدثات و ساختمان و بنای ایجاد شده به صورت مسکونی یا غیرمسکونی مورد بهره‌برداری بوده و جابجایی و انتقال مکانی آن ناممکن یا مستلزم خرابی یا نقص آنها شود. سایر اشکال از قبیل محصور نمودن زمین به وسیله دیوار یا

فنس و همچنین غرس اشجار و زراعت و یا ساختمانهای پیش ساخته قابل نقل در محل، احداث بنا محسوب نمی شود و از شمول این آیین نامه خارج است.

ماده ۴- پس از احراز قدمت تصرف و بنای احداثی به قبل از سال ۱۳۸۳ و تشخیص رعایت تناسب عرصه و اعیان و عدم مغایرت با طرحهای مصوب شهری، زمین به حداقل بهای کارشناسی روز زمان فروش به نحوی که کمتر از بهای کارشناسی رسمی دادگستری نباشد و با نظر موافق وزارت مسکن و شهرسازی به متصرف فروخته می شود، ضمناً هزینه کارشناسی به عهده متصرف می باشد.

تبصره - در صورت عدم امکان انتقال رسمی، زمین به موجب قرارداد به متصرف واگذار و پس از فراهم شدن امکان انتقال رسمی، نسبت به تنظیم سند رسمی انتقال مالکیت اقدام خواهد شد. پرداخت کلیه هزینه های ثبتی و شهرداری و غیره به عهده متصرف می باشد.

ماده ۵ - کلیه مبالغ مرتبط با تحصیل وجوه بهای اراضی موضوع این آیین نامه به حساب تمرکز وجوه سازمان ملی زمین و مسکن نزد خزانه داری کل واریز می شود. سازمانهای مسکن و شهرسازی استانها موظفند آمار وجوه مأخوذه و همچنین عملکرد خود را ماهانه با ذکر مشخصات زمین و متصرف پس از ثبت در سیستم بانک زمین با مستندات به سازمان ملی زمین و مسکن اعلام نمایند.

ماده ۶ - درج شرط پرداخت کلیه هزینه های متعلقه به زمین واگذار شده و همچنین شرط سلب و اسقاط هرگونه ادعا و تقبل پاسخگویی به دعاوی اشخاص ثالث و پذیرش آثار آراء مراجع قضایی درخصوص زمین از ناحیه متصرف در قرارداد واگذاری و سند رسمی انتقال الزامی است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۲۷ مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۷)

۷. آیین‌نامه اجرایی قانون جلوگیری از خردشدن اراضی کشاورزی و ایجاد قطعات مناسب

فنی و اقتصادی - مصوب ۱۳۸۵-

وزیران عضو کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۰ بنا به پیشنهاد شماره ۰۲۰/۱۹۸۹۹ مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۳ وزارت جهاد کشاورزی و به استناد مواد (۱) و (۶) قانون جلوگیری از خردشدن اراضی کشاورزی و قطعات مناسب فنی و اقتصادی - مصوب ۱۳۸۵- و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت/۳۷۳- مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون یادشده را به شرح زیر تصویب نمودند:

ماده ۱- در این آیین‌نامه واژه‌ها و اصطلاحات زیر در معانی مربوط به کار می‌روند:
الف - قانون: قانون جلوگیری از خردشدن اراضی کشاورزی و ایجاد قطعات مناسب فنی، اقتصادی - مصوب ۱۳۸۵-.

ب - اراضی کشاورزی: زمینهای موضوع ماده (۱) قانون.

ج - حد نصاب فنی و اقتصادی: بخشی از اراضی کشاورزی برحسب هکتار که مطابق جداول پیوست که تأییدشده به مهر «پیوست تصویب‌نامه هیئت وزیران» می‌باشد و با توجه به شرایط اقلیمی، الگوی کشت منطقه، ضوابط مکانیزاسیون، کمیت و کیفیت منابع آب و خاک، بهره‌وری مناسب از عوامل تولید میسر باشد و درآمد ناشی از تولیدات آن طی یکسال زراعی بتواند ضمن تأمین هزینه‌های تولید و سرمایه‌گذاری، هزینه‌های یک خانوار روستایی را در حد متعارف تأمین نماید.

د - خردشدن اراضی کشاورزی: تفکیک، تقسیم، افراز و اقداماتی که منجر به کوچک شدن اراضی کشاورزی از حد نصاب تعیین شده شود.

ه - تفکیک: عبارت است از تقسیم مال غیرمنقول به قطعات کوچکتر.

و - افراز: عبارت است از جدا کردن سهم مشاع شریک یا شرکاء و یا تقسیم مال غیرمنقول مشاع بین شرکاء به نسبت سهم آنها.

ز - تقسیم: تفکیک و افراز و غیر آن.

ح - تجميع و يکپارچه‌سازى: ساماندهى قطعات پراکنده خرد و کمتر از حد نصاب فنى، اقتصادى اراضى کشاورزى از طريق خريد و فروش، مبادله يا معاوضه با قطعات مجاور يا تغيير شيوه نظام بهره‌بردارى به منظور رساندن آنها به حد نصاب موردنظر قانون توسط مالک يا مالکين.

ماده ۲- تفکيک، افزاز و خردشدن اراضى کشاورزى به قطعات کمتر از حد نصاب موضوع بند «ج» ماده (۱) آئين‌نامه ممنوع است. ادارات ثبت اسناد و املاک و دفاتر اسناد رسمى و ساير مراجع مربوط موظفند در هنگام تفکيک، افزاز و تقسيم اراضى کشاورزى، در مورد حدنصاب فنى، اقتصادى اراضى مزبور با مکاتبه و ارائه نقشه دقيق زمين (به مقياس مناسب و حداقل يک پنج هزارم) از مديريت جهاد کشاورزى و درخصوص مى و دولتى نبودن اراضى از اداره منابع طبيعى شهرستان استعلام نمايند. صدور اسناد تفکيکى و افزازى مشروط به اينکه اراضى مى و دولتى نبوده و نيز هيچ يک از قطعات، کمتر از حدنصاب فنى و اقتصادى نباشد بلامانع است.

تبصره ۱- تفکيک اراضى واقع در قطب‌هاى کشاورزى، موضوع قانون گسترش کشاورزى در قطب‌هاى کشاورزى - مصوب ۱۳۵۴- براساس قانون يادشده و آئين‌نامه اجرائى آن خواهد بود.

تبصره ۲- در صورت تقاضاى مالک يا مالکين، صدور سند و نقل و انتقال اسناد اراضى کشاورزى ياد شده به صورت مشاعى (بدون تفکيک و افزاز) بلامانع است.

تبصره ۳- اسناد مالکيت رسمى که بدون رعايت حد نصاب‌هاى تعيين شده موضوع بند «ج» ماده (۱) و برخلاف ماده (۲) قانون صادرشده باشد فاقد اعتبار خواهدبود. مديريت جهاد کشاورزى به محض اطلاع موظف است مراتب را براى ابطال سند مالکيت صادره به مراجع صالحه قضايى اعلام نمايد. متخلفين در چارچوب قوانين و مقررات مربوط تحت پيگرد قانونى قرار مى‌گيرند.

ماده ۳- وزارت جهاد کشاورزى موظف است اعتبارات موردنياز به منظور اعطائى يارانه‌هاى حمايتى و تسهيلات و امتيازات موضوع ماده (۳) قانون ازجمله ساخت زيربناهاى توليد، تجهيز و

نوسازی اراضی، جاده‌های دسترسی بین مزارع، کانالهای (۳) و (۴)، زهکشی، برقی کردن چاهها و نصب کنتور اندازه‌گیری و شبکه آبیاری نوین به مالکین اراضی کشاورزی که در اجرای قانون و این آیین‌نامه به صورت یکپارچه درآمده و اراضی آنها حائز حداقل نصاب تعیین شده باشد را در بودجه سنواتی پیشنهاد نماید. کمیته موضوع ماده (۳۰) قانون برنامه و بودجه در صورت امکان صددرصد اعتبارات یادشده را به وزارت مذکور تخصیص دهد.

تبصره - نحوه پرداخت یارانه‌های حمایتی و اعطای تسهیلات مربوط به اجرای عملیات زیربنایی (تجهیز و نوسازی و مانند آن) موضوع قانون به بهره‌بردارانی که قطعات پراکنده آنها تجمیع و یکپارچه‌سازی شده و اراضی آنها به حد نصابهای مقرر رسیده است مطابق دستورالعملی خواهد بود که توسط وزارت جهاد کشاورزی ابلاغ می‌گردد.

ماده ۴- در اجرای ماده (۳) قانون، وزارت نیرو موظف است با هماهنگی وزارت جهاد کشاورزی در مناطقی که دارای اراضی آبی است و برای اشخاصی که اقدام به یکپارچه‌سازی اراضی موضوع این آیین‌نامه می‌کنند اعتبارات مورد نیاز را جهت تأمین آب و احداث شبکه‌های آبیاری و زهکشی پیش‌بینی و در بودجه سنواتی پیشنهاد نماید. کمیته موضوع ماده (۳۰) قانون برنامه و بودجه در صورت امکان صددرصد اعتبارات یادشده را به وزارت مذکور تخصیص دهد. طرحهای مذکور با عنایت به ملاک مقرر در بند (۱) ماده (۱) قانون برنامه و بودجه - مصوب ۱۳۵۱- از جمله طرحهای غیرانتفاعی محسوب می‌گردد.

تبصره - مالکین و بهره‌برداران مشمول این ماده به مدت حداکثر ده سال از پرداخت آب بها و حقا به معاف می‌باشند. وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و نیرو موظفند با هماهنگی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور اعتبارات لازم را به این منظور در بودجه‌های سنواتی وزارت نیرو پیش‌بینی نمایند. کمیته تخصیص اعتبار موضوع ماده (۳۰) قانون برنامه و بودجه در صورت امکان صددرصد اعتبارات یادشده را به وزارت مذکور تخصیص دهد.

ماده ۵- وزارت جهاد کشاورزی موظف است نسبت به پرداخت تمامی حق بیمه آن دسته از بیمه‌گذارانی که پس از تجمیع و یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی کوچک و پراکنده تا حد نصابهای فنی، اقتصادی اقدام می‌نمایند، نسبت به بیمه محصولات مشمول بیمه از طریق

صندوق بیمه محصولات کشاورزی و از محل اعتبارات موضوع ماده (۴) این آیین نامه برای حداکثر پنج سال از تاریخ تجمیع اقدام نماید.

ماده ۶ - کلیه اشخاصی که قصد تجمیع و یکپارچه سازی اراضی خود را دارند باید به مدیریت جهاد کشاورزی ذی ربط مراجعه و درخواست خود را همراه با مدارک مثبت مالکیت تسلیم نمایند. مدیریت یادشده ظرف یک ماه بررسی لازم را معمول و در صورت وجود شرایط لازم نظر موافق را به اداره ثبت اسناد و املاک محل اعلام نماید تا حداکثر ظرف سه ماه نسبت به صدور سند با رعایت ماده (۴) قانون اقدام شود.

ماده ۷- به کلیه مالکین اعم از حقوقی و حقیقی در صورت خرید اراضی کشاورزی پراکنده و یکپارچه نمودن آن در حد نصاب فنی، اقتصادی و بیشتر از آن به شرط حفظ کاربری اراضی کشاورزی، از طریق بانکها و مؤسسات اعتباری مالی، تسهیلات قرض الحسنه و یا تسهیلات ده ساله با حداقل نرخ بهره بخش کشاورزی زمان دریافت تسهیلات و به میزان قیمت کارشناسی روز اراضی مورد معامله اعطا می گردد.

تبصره ۱- وزارت جهاد کشاورزی موظف است نسبت به پیش بینی اعتبارات لازم در بودجه های سنواتی به منظور پرداخت مبالغ مذکور از طریق بانکهای عامل اقدام نماید. مراجع ذی ربط نیز در صورت امکان موظف به تأمین مبالغ یادشده می باشند.

تبصره ۲- پرداخت تسهیلات قرض الحسنه مشروط به رعایت دستورالعمل های یکپارچه سازی و تعهد اشخاص ذی ربط مبنی بر رعایت الگوی کشت مورد نیاز منطقه به مدت (۱۰) سال با تشخیص و تأیید مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان می باشد. ضمانت اجرای لازم از لحاظ شکلی و ماهیتی در دستورالعمل های مربوط تدوین خواهد شد.

تبصره ۳- وزارت جهاد کشاورزی موظف است با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نسبت به ایجاد بانک اطلاعاتی هوشمند برای تهیه شناسنامه و ثبت و ضبط آمار و اطلاعات اراضی مالکین که در راستای قانون، قطعات پراکنده خود را تجمیع و اقدام به یکپارچه سازی می نمایند و اراضی آنها به حدنصاب مقرر رسیده اقدام نماید.

ماده ۸ - بانکها و مؤسسات اعتباری کشور موظفند قدرالسهم مشاع مالکین را در اسناد مشاعی اراضی کشاورزی به عنوان وثیقه و تضمین به نسبت سهم مشاع از قیمت کل مشاع، مورد پذیرش قرار دهند و دفاتر اسناد رسمی موظفند بنا به درخواست بانکها و مؤسسات مذکور به نسبت سهم اسناد مشاع برای ضمانت و ترهین در دفاتر ثبت اقدام نمایند.

ماده ۹ - وزارت جهاد کشاورزی موظف است با هماهنگی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های عمومی و نشر آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار، زمینه اجرای صحیح و مطلوب قانون و این آیین‌نامه را فراهم نماید.

ماده ۱۰ - دستورالعمل‌های لازم برای اجرای مواد این آیین‌نامه توسط وزارت جهاد کشاورزی حسب مورد با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سایر دستگاه‌های اجرایی تهیه و ابلاغ خواهد شد.

این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱۱ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

جدول شماره ۱

حد فنی اقتصادی اراضی و باغی به تفکیک استان و آبی و دیم بر حسب هکتار

ردیف	استان	زراعی و آیش		باغ و قلمستان	
		آبی	دیم	آبی	دیم
۱	آذربایجان شرقی	۱۰	۲۵	۵	۱۰
۲	اردبیل	۱۰	۲۰	۵	۱۰
۳	اصفهان	۱۰	۲۵	۵	۱۰
۴	خوزستان	۱۰	۲۵	۵	۱۰
۵	زنجان	۱۰	۲۵	۵	۱۰
۶	سیستان و بلوچستان	۱۰	۲۵	۵	۱۰
۷	فارس	۱۰	۲۵	۵	۱۰

۱. موضوع بند «ج» ماده ۱ این آیین‌نامه.

۸	قزوین	۱۰	۲۵	۵	۱۰
۹	قم	۱۰	۱۵	۵	۱۰
۱۰	کهگیلویه و بویراحمد	۱۰	۲۰	۵	۱۰
۱۱	گلستان	۱۰	۲۰	۵	۱۰
۱۲	لرستان	۱۰	۲۰	۵	۱۰
۱۳	آذربایجان غربی	۷/۵	۲۵	۵	۱۰
۱۴	ایلام	۷/۵	۲۵	۵	۱۰
۱۵	بوشهر	۷/۵	۱۵	۵	۱۰
۱۶	کرمان	۷/۵	۲۵	۲/۵	۵
۱۷	همدان	۷/۵	۲۰	۵	۱۰
۱۸	تهران	۵	۱۵	۲/۵	۵
۱۹	چهارمحال و بختیاری	۵	۲۰	۲/۵	۵
۲۰	خراسان رضوی	۵	۲۰	۲/۵	۵
۲۱	خراسان شمالی	۵	۲۵	۲/۵	۵
۲۲	خراسان جنوبی	۵	۱۵	۲/۵	۵
۲۳	سمنان	۵	۲۰	۲/۵	۵
۲۴	کردستان	۵	۲۰	۲/۵	۵
۲۵	کرمانشاه	۵	۲۰	۲/۵	۵
۲۶	گیلان	۴	۱۰	۲/۵	۵
۲۷	مازندران	۴	۱۰	۲/۵	۵
۲۸	مرکزی	۵	۲۰	۲/۵	۵
۲۹	هرمزگان	۵	۱۵	۲/۵	۵
۳۰	یزد	۵	۲۵	۲/۵	۵

آءول شماره ۲

آء فنی اقءصاءى اراضى و باغى در قالب نظامهاى بهرهبرى به تفكك استان

(بر آسب هكءار)

رءىف	استان	ءعاونى ءولء		سهامى زراعى		كشء و صنعء	
		زراعى	باغى	زراعى	باغى	زراعى	باغى
۱	آذرباىجان شرقى	۱۰۰۰	۵۰۰	۱۲۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۳۰۰
۲	ارءبىل	۱۰۰۰	۵۰۰	۱۲۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۳۰۰
۳	اصفهان	۱۰۰۰	۵۰۰	۱۲۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۳۰۰
۴	آوزستان	۱۰۰۰	۵۰۰	۱۲۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۳۰۰
۵	زنجان	۱۰۰۰	۵۰۰	۱۲۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۳۰۰
۶	سىستان و بلوآستان	۱۰۰۰	۵۰۰	۱۲۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۳۰۰
۷	فارس	۱۰۰۰	۵۰۰	۱۲۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۳۰۰
۸	قزوین	۱۰۰۰	۵۰۰	۱۲۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۳۰۰
۹	قم	۱۰۰۰	۵۰۰	۱۲۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۳۰۰
۱۰	كهگىلویه و بویراحمد	۱۰۰۰	۵۰۰	۱۲۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۳۰۰
۱۱	گلستان	۱۰۰۰	۵۰۰	۱۲۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۳۰۰
۱۲	لرستان	۱۰۰۰	۵۰۰	۱۲۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۳۰۰
۱۳	آذرباىجان غربى	۷۵۰	۳۵۰	۹۰۰	۴۵۰	۴۵۰	۲۵۰
۱۴	ایلام	۷۵۰	۳۵۰	۹۰۰	۴۵۰	۴۵۰	۲۵۰
۱۵	بوشهر	۷۵۰	۳۵۰	۹۰۰	۴۵۰	۴۵۰	۲۵۰
۱۶	كرمان	۷۵۰	۳۵۰	۹۰۰	۴۵۰	۴۵۰	۲۵۰
۱۷	همدان	۷۵۰	۳۵۰	۹۰۰	۴۵۰	۴۵۰	۲۵۰
۱۸	تهران	۵۰۰	۲۵۰	۶۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۱۵۰
۱۹	آهارمآال و بآآارى	۵۰۰	۲۵۰	۶۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۱۵۰
۲۰	آراسان رضوى	۵۰۰	۲۵۰	۶۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۱۵۰

۲۱	خراسان شمالی	۵۰۰	۲۵۰	۶۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۱۵۰
۲۲	خراسان جنوبی	۵۰۰	۲۵۰	۶۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۱۵۰
۲۳	سمنان	۵۰۰	۲۵۰	۶۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۱۵۰
۲۴	کردستان	۵۰۰	۲۵۰	۶۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۱۵۰
۲۵	کرمانشاه	۵۰۰	۲۵۰	۶۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۱۵۰
۲۶	مرکزی	۵۰۰	۲۵۰	۶۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۱۵۰
۲۷	هرمزگان	۵۰۰	۲۵۰	۶۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۱۵۰
۲۸	یزد	۵۰۰	۲۵۰	۶۰۰	-	۳۰۰	۱۵۰
۲۹	گیلان	۲۰۰	-	۴۰۰	-	۱۰۰	-
۳۰	مازندران	۲۰۰	-	۴۰۰	-	۱۰۰	-

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۲۷ مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۷)

۸. تصویب نامه در خصوص تعیین تعرفه ثبت نام دریافتی از داوطلبان شرکت در آزمونهای

سازمان سنجش آموزش کشور سال ۱۳۸۹

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۹ بنا به پیشنهاد شماره ۱/۱۸۹۵۴ مورخ ۱۳۸۸/۷/۷ وزارت بازرگانی و تأیید ستاد بررسی و کنترل قیمتها و به استناد بند (الف) تبصره (۴۹) قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور تصویب نمود:

۱- تعرفه ثبت نام دریافتی از داوطلبان شرکت در آزمونهای سازمان سنجش آموزش کشور در سال ۱۳۸۹ به شرح زیر تعیین می گردد:

ردیف	حق ثبت نام داوطلبان	سال ۱۳۸۹ (بر حسب ریال)
۱	آزمون سراسری	۵۵,۰۰۰
۲	آزمون دانشگاههای پیام نور، تربیت معلم و غیر انتفاعی	۱۵,۰۰۰
۳	آزمون کاردانی پیوسته	۵۵,۰۰۰
۴	آزمون کاردانی به کارشناسی ناپیوسته	۷۴,۰۰۰
۵	آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته	۹۲,۰۰۰
۶	آزمون دکتری داخل	۱۵۰,۰۰۰
۷	آزمون اعزام به خارج	۱۳۲,۰۰۰
۸	آزمون تولیمو	۱۵,۰۰۰
۹	صدور تأییدیه گواهی رتبه داوطلبان	۱۵,۰۰۰
۱۰	تکمیل ظرفیت آزمونها	۱۸,۰۰۰
۱۱	آزمون علمی تربیت بدنی	۳۸,۰۰۰
۱۲	آزمون علمی رشته‌های هنر	۳۸,۰۰۰
۱۴	بازبینی مجدد و پاسخگویی اعتراضات حضور داوطلبان	۱۰,۰۰۰

۲- درآمدهای سازمان سنجش آموزش کشور به حساب خزانه واریز و در بخش درآمد بودجه کل کشور منظور و معادل هزینه‌ای آن از طریق درج در ردیف اعتباری بودجه سال ۱۳۸۹ در اختیار سازمان یادشده قرار می‌گیرد.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۲۹ مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۹)

۹. الحاق تبصره (۳) به ماده (۴۱) آیین نامه اجرایی حمل و نقل جاده‌ای مواد خطرناک

وزیران عضو کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۶/۸ بنا به پیشنهاد شماره ۱۱/۱۸۹۲۳ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۰ وزارت راه و ترابری و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت تصویب نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت/۳۷۳ هـ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰ تصویب نمودند:

متن زیر به عنوان تبصره (۳) به ماده (۴۱) آیین نامه اجرایی حمل و نقل جاده‌ای مواد خطرناک موضوع تصویب نامه شماره ۴۴۸۷۰/ت/۲۲۰۲۹ هـ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۷ اضافه می شود:

« تبصره ۳- رانندگان وسایل نقلیه حامل فرآورده های نفتی که با معرفی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران و تحت نظارت سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای آموزشهای ویژه حمل مواد خطرناک را گذرانده باشند، در صورت قبولی در آزمون مربوط و اخذ تأییدیه از سازمان یادشده، بدون در نظر گرفتن مدت زمان طی شده از صدور گواهینامه پایه یکم مجاز به فعالیت در امر حمل و نقل فرآورده های نفتی خطرناک می باشند.»

این تصویب نامه در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۲۱ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۲۹ مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۹)

بخش پنجم:

مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

اصلاح مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح‌های جامع شهرهای با جمعیت کمتر از ۱۰۰,۰۰۰ نفر

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۵/۵ با توجه به گزارش عملکرد شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه استانها و بنا به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی مصوبه مورخ ۱۳۸۶/۵/۱۵ موضوع تفویض اختیار تصویب طرح‌های جامع شهرهای با جمعیت کمتر از ۱۰۰,۰۰۰ نفر را به شرح ذیل اصلاح نمود:

۱- تصویب طرح‌های جامع شهرهای با جمعیت کمتر از ۱۰۰,۰۰۰ نفر در چارچوب مفاد این مصوبه به شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه استانها واگذار می‌شود و این اختیار قابل واگذاری به غیر نیست.

تبصره - در صورت وجود شرایط ویژه، بنا به پیشنهاد رئیس شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان یا هریک از اعضای شورای عالی و تأیید رئیس شورای عالی، طرح جامع شهرهای کمتر از ۱۰۰ هزار نفر نیز در شورای عالی شهرسازی و معماری قابل بررسی است.

۲- در تصویب طرح‌های جامع آن دسته از شهرهای با جمعیت کمتر از ۱۰۰,۰۰۰ نفر که مرکز شهرستان باشند، حضور نماینده یا نمایندگان شورای عالی در جلسه کارگروه مسکن و شهرسازی استانها ضروری است.

تبصره ۱- انتخاب نماینده یا نمایندگان شورای عالی متناسب با ویژگی شهر مربوط توسط دبیر شورای عالی و از بین اعضای شورای عالی یا کمیته فنی یا مدیران دفاتر ذیربط در وزارت مسکن و شهرسازی و یا کارشناسان خبره (با ده سال سابقه کار و با آشنایی با شورای عالی و سیاستگذاری‌های آن) صورت می‌پذیرد و حکم مأموریت نیز توسط دبیر شورای عالی صادر خواهد شد.

تبصره ۲- سازمان مسکن و شهرسازی استان موظف است حداقل ۱۵ روز قبل از برگزاری جلسه کارگروه مسکن و شهرسازی، دعوتنامه جلسه مذکور را به همراه خلاصه گزارش طرح برای دبیرخانه شورای عالی ارسال نماید.

تبصره ۳- دبیر شورایعالی ضمن تعیین نماینده یا نمایندگان خود برای شرکت در جلسه کارگروه، اطلاعات دریافتی را در اختیار ایشان قرار خواهد داد.

تبصره ۴- نماینده مذکور موظف است در جلسه شرکت نموده و گزارش خود را در فرم‌هایی که توسط دبیرخانه شورایعالی تهیه می‌شود ظرف مدت یک هفته از تاریخ تشکیل جلسه به دبیرخانه شورایعالی ارائه نماید.

تبصره ۵ - سازمان مسکن و شهرسازی استان موظف است یک نسخه از مصوبه شورای برنامه‌ریزی را به انضمام مدارک لازم برای اظهارنظر دبیر شورایعالی به دبیرخانه ارسال نماید.

۳- ملاک تعیین جمعیت شهرها جمعیت مندرج در آخرین سالنامه آماری مرکز آمار ایران است.

تبصره - دبیرخانه شورایعالی موظف است بر مبنای این بند از ابتدای سال ۱۳۸۷ به بعد در فروردین ماه هر سال لیست شهرهای هر استان که باید طرح جامع آنها در شورایعالی به تصویب برسد تدوین و به استانها اعلام نماید.

۴- طرح‌های مربوط به شهرهای جدید و شهرک‌ها در شورایعالی بررسی و تصویب می‌شوند.

۵ - بررسی مغایرت‌های اساسی نیز در چارچوب سقف‌های جمعیتی تعیین شده در این مصوبه حسب مورد در شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و یا شورایعالی صورت می‌پذیرد.

تشخیص نهایی مغایرت اساسی در چارچوب ماده ۴۵ آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران در مورد شهرهای کمتر از ۱۰۰۰۰۰ نفر براساس معیارهای مصوب شورایعالی با رئیس سازمان مسکن و شهرسازی استان و در مورد شهرهای بالاتر از ۱۰۰۰۰۰ نفر، شهرهای جدید و شهرک‌ها این مسئولیت با دبیر شورایعالی می‌باشد.

گردش کار تفصیلی این موضوع توسط دبیرخانه شورایعالی تهیه و به استانها ابلاغ خواهد گردید.

- تبصره ۱- دبیرخانه شورای عالی مکلف است دستورالعمل تشخیص اساس طرح جامع شهر، مصوب ۱۳۶۳/۱۲/۲۳ شورای عالی و اصلاحیه‌های بعدی آن را، حداکثر ظرف مدت ۳ ماه بازنگری نموده و پس از تصویب شورای عالی مبنای اقدامات بعدی قرار دهد.
- تبصره ۲- در صورتی که مواردی از تصمیمات کمیسیون ماده ۵ شهرهای زیر یکصد هزار نفر توسط دبیرخانه شورای عالی مغایر با اساس طرح جامع شهر تشخیص داده شود، موضوع باید در شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان طرح و مورد تصمیم‌گیری قرار گیرد.
- ۶- شوراهای برنامه‌ریزی استانها موظفند رسیدگی به طرحها را پس از بررسی و تصویب طرحها در کارگروه شهرسازی و معماری استانها در دستور کار خود قرار دهند. مواردیکه الزاماً باید در جلسه شورای برنامه‌ریزی و کارگروه مسکن و شهرسازی استان ارائه و مورد بررسی قرار گیرد به شرح پیوست (۱) می‌باشد.^۱
- ۷- کارگروههای مسکن و شهرسازی و شوراهای برنامه‌ریزی استانها به هنگام بررسی و تصویب طرحها موظفند اصول زیر را رعایت نمایند:
- توجه به راهبردهای طرحهای بالادست درخصوص نقش شهر - جهات توسعه و جمعیت کل و جمعیت شاغلین و ارتباط آنها با یکدیگر.
 - توجه به رعایت حرائم، قوانین و ضوابط و مقررات قانونی دستگاههای ذیربط.
 - توجه به قانون «تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها» درخصوص عدم تداخل محدوده و حریم شهرها و روستاها با یکدیگر و عدم تجاوز محدوده یا حریم شهرها از خطوط (مرز) تقسیمات کشوری و اصلاح تداخلات احتمالی موجود.
 - توجه به ظرفیت منابع آب شهر.
 - توجه به جدول سطوح و سرانه‌ها و تأکید بر رعایت سرانه‌ها و استانداردهای مصوب دستگاهها در جدول مذکور.

۱. پیوست (۱) در اصل روزنامه رسمی موجود نیست.

- توجه به افزایش حداقل ۱۵ درصدی تراکم جمعیتی پیشنهادی (نفر در هکتار) نسبت به تراکم جمعیتی طرح قبلی.

- توجه به اولویت توسعه شهر در اراضی غیرکشاورزی.

- تعیین محدوده شهر برای افق ۱۰ ساله (چنانچه سطح شهر براساس طرح‌های مصوب قانونی قبلی بیش از نیاز ۱۰ ساله شهر بوده و نتوان به دلایل موجه محدوده شهر را متناسب با آن نیازها کوچک نمود، افق طرح متناسب با سطح موجود تا ۱۵ سال قابل افزایش است).

- تعیین حریم شهر متناسب با سطح محدوده و افق طرح و امکان نظارت بر آن با هدف پیش‌بینی اراضی که حفاظت آنها برای توسعه درازمدت شهر ضروری می‌باشد و با رعایت موارد زیر:

الف) قرارگیری نقاط سکونتی مستعد توسعه‌های برنامه‌ریزی نشده در داخل حریم

ب) پرهیز از ورود اراضی که بنا به قوانین خاص خود، قابلیت کنترل و نظارت دارند

ج) توجه به موقعیت شهرک‌های صنعتی موجود و مصوب

د) سطح حریم شهر حدوداً ۳ تا ۵ برابر سطح محدوده باشد.

۸ - با توجه به ضرورت قانونی برای تصویب نهایی کلیه طرح‌های جامع در شورایعالی، اختیار تصویب نهایی و تنفیذ کلیه طرح‌هایی که براساس این مصوبه در شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه استانها به تصویب می‌رسد به دبیر شورایعالی تفویض می‌شود.

دبیر شورایعالی پس از وصول صورتجلسه و مدارک نسبت به صدور نامه تنفیذ اقدام نموده و یا در صورتی که به تشخیص وی، برخی از قوانین و مقررات یا سیاستهای اصلی شهرسازی و مصوبات شورایعالی در تصویب طرح‌های جامع رعایت نشده باشد، موضوع را ظرف مدت دو هفته از دریافت مدارک فوق‌الذکر به دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان جهت عدم ابلاغ مصوبه اعلام و برای تصمیم‌گیری نهایی در دستور کار شورایعالی قرار خواهد داد.

۹- مراحل بررسی و تصویب تغییرات طرح‌های هادی شهری معتبر بوسیله کمیسیونی به عضویت نمایندگان معاونت عمرانی استانداری (رییس)، شهردار، سازمان مسکن و شهرسازی استان، سازمان جهاد کشاورزی استان، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

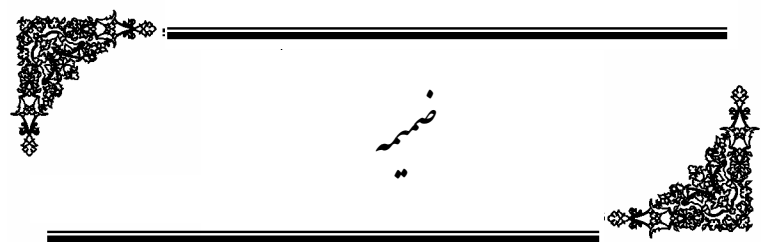
استان و با حضور رییس شورای اسلامی شهر ذیربط و نماینده سازمان نظام مهندسی ساختمان استان (با تخصص معماری یا شهرسازی) انجام می‌شود.

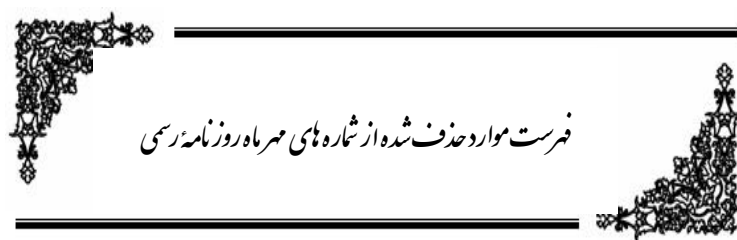
تبصره ۱- دبیرخانه این کمیسیون در محل سازمان مسکن و شهرسازی استان استقرار می‌یابد.

۱۰- دبیرخانه شورایعالی موظف است ظرف مدت یک ماه دستورالعمل‌های لازم شامل مدارک موردنیاز، زمانبندی ارسال مدارک، نحوه ابلاغ تصمیمات شورایعالی و سایر جزئیات مربوط را در چارچوب این مصوبه تنظیم و با امضاء ریاست شورایعالی به کلیه مراجع ذیربط ابلاغ نماید.

دبیرخانه شورایعالی موظف است هر ساله در پایان خرداد گزارش کمی و کیفی از عملکرد شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه استانها در اجرای این مصوبه را تهیه و به شورایعالی ارائه نماید. شورایعالی بر اساس این گزارش برای دوره زمانی جدید و در مورد تمام و یا تعدادی از استانها تصمیم‌گیری خواهند نمود.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۸۲۰ مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۸)





توجه : به نظر می رسد مواردی از شماره های ویژه قوانین و مقررات روزنامه رسمی در مهر ماه برای مخاطبین کاربرد ندارد. لذا از درج آن در این ماهنامه خودداری شده است و در صورت درخواست هر یک از موارد حذف شده، متن کامل آن برای متقاضی، ارسال خواهد شد.

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۳۸۸/۷/۵ - ۱۸۸۰۹
۱	اصلاح تصمیم نامه شماره ۱۲۶۵۶۰/ت/۴۳۱۶۵ مورخ ۱۳۸۸/۶/۲۲
۲	اصلاح جزء (۳) بند « الف » ماده (۳) تصویب نامه موضوع وظایف و نحوه انتخاب اعضای کمیته های ملی استاندارد
۳	تصمیم نمایندگان ویژه رئیس جمهور در خصوص واگذاری زمینهای مشخص شده در قالب طرح مسکن مهر
۴	تصویب نامه در خصوص تعیین قیمت خرید تضمینی انواع برنج در سال ۱۳۸۸
۵	تصویب نامه در خصوص تعیین آقای علی عسکری به عنوان رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور
۶	تصویب نامه در خصوص تعیین نحوه پرداخت یارانه به ساختمانهای غیردولتی موجود و در حال ساخت

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۳۸۸/۷/۱۱ - ۱۸۸۱۴
۱	تصویب نامه در خصوص تعیین آقای رضا نخجوانی به عنوان رئیس سازمان هواپیمایی کشوری
۲	تصویب نامه در خصوص تعیین آقای فرهاد پرورش به عنوان عضو هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران
۳	تصویب نامه در خصوص تعیین قیمت خرید تضمینی محصولات باغی برای سال ۱۳۸۸-۱۳۸۷

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۳۸۸/۷/۱۳ - ۱۸۸۱۶
۱	تصویب نامه در خصوص توزیع کل اعتبار خارج از شمول مربوط به اعتبارات ملی بابت هر دستگاه اجرایی

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۳۸۸/۷/۱۵ - ۱۸۸۱۸
۱	تصویب نامه در خصوص تبدیل روستای « شهرآباد » مرکز بخش شهرآباد از توابع شهرستان بردسکن در استان خراسان رضوی به شهر
۲	تصویب نامه در خصوص تبدیل روستای « خاتون آباد » مرکز دهستان خاتون آباد از توابع بخش مرکزی شهرستان شهربابک در استان کرمان به شهر
۳	تصویب نامه در خصوص تقسیمات کشوری در شهرستان ری در استان تهران
۴	تصویب نامه در خصوص تقسیمات کشوری شهرستان لنگرود در استان گیلان

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۸۸۲۰ - ۱۳۸۸/۷/۱۸
۱	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر زنجان
۲	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص محدوده شهر جدید صدرا

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۸۸۲۲ - ۱۳۸۸/۷/۲۰
۱	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر پیشوا
۲	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر حسن آباد
۳	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر سامان
۴	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر نصیرآباد

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۸۸۲۵ - ۱۳۸۸/۷/۲۵
۱	آیین نامه هیأت امنای صرفه جویی ارزی در معالجه بیماران
۲	اصلاح آیین نامه اجرایی ماده (۷) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی
۳	اصلاح تصویب نامه شماره ۲۲۲۴۸/ت/۳۵۹۰۴ هـ مورخ ۱۳۸۶/۲/۱۷
۴	تصویب نامه در خصوص تعیین آقای عبدالعلی صاحب محمدی به عنوان رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۳۸۸/۲/۲۲ - ۱۸۸۲۲
۱	آیین نامه تشخیص صلاحیت و تعیین ناظران معتمد
۲	تصمیم نمایندگان ویژه رئیس جمهور در مورد سهمیه سوخت برای سه ماهه پاییز
۳	تصویب نامه در مورد نحوه پرداخت سود ابرازی توسط شرکت های دولتی
۴	تصویب نامه در خصوص اضافه شدن رئیس دفتر رئیس جمهور به ترکیب اعضای کمیسیون فرهنگی هیئت دولت
۵	تصویب نامه در خصوص اضافه شدن رئیس سازمان تربیت بدنی به ترکیب اعضای کمیسیون زیربنایی، صنعت و محیط زیست
۶	تصویب نامه در خصوص اضافه شدن وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به ترکیب کارگروه موضوع ماده (۹) آیین نامه تعیین شماره اختصاصی برای اشخاص خارجی
۷	تصویب نامه در خصوص اضافه شدن وزیر امور خارجه به ترکیب اعضای کارگروه موضوع تصویب نامه شماره ۴۱۷۳۳/ت/۲۱۷۸۶۹ هـ
۸	تصویب نامه در خصوص الحاق عبارت «تعیین تکلیف نشده» بعد از عبارت «موقوفات ارزی - ریالی» موضوع بند (۲) تصویب نامه شماره ۵۱۲۲۵/ت/۴۰۱۷۶ هـ - ۱۳۸۷/۴/۹
۹	تصویب نامه در خصوص تأسیس سرکنسولگری ایران در شهر گوانجو
۱۰	تصویب نامه در خصوص تعیین آقای علیرضا ذاکر اصفهانی به عنوان استاندار استان اصفهان
۱۱	تصویب نامه در خصوص تعیین آقای محمدحسین موسی پور به عنوان استاندار استان قم
۱۲	تصویب نامه در خصوص تغییر عبارت «پانصد و هفتاد میلیارد ریال» به عبارت «هفتصد و چهل و دو میلیارد ریال» موضوع تصویب نامه شماره ۴۸۵۵۵/ت/۳۵۳۵۳ هـ
۱۳	تصویب نامه در خصوص کسور بازنشستگی از فوق العاده پرداختی موضوع ماده (۳۵) آیین نامه استخدامی سازمان انرژی اتمی
۱۴	دستورالعمل اجرایی نحوه امهال و تأمین سود و کارمزد و بخشودگی جرایم دیرکرد اقساط سررسید شده در سال ۱۳۸۸ خسارت دیدگان بخش کشاورزی ناشی از خشکسالی
۱۵	قانون موافقتنامه دوجانبه در زمینه کمک متقابل اداری در امور گمرکی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری فدرال نیجریه

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۳۸۸/۲/۲۹ - ۱۳۸۸/۲/۲۹
۱	تصویب نامه در خصوص ادغام روستاهای « انارستان » و « گلستان » از توابع دهستان انارستان بخش ریز شهرستان جم در استان بوشهر به شهر « انارستان »
۲	تصویب نامه در خصوص برگزاری اولین گردهمایی بین المللی HTLVI و بیماریهای وابسته
۳	تصویب نامه در خصوص برگزاری چهاردهمین گردهمایی کمیته هماهنگی هواشناسی - آبشناسی و مراقبت محیط دریای خزر
۴	تصویب نامه در خصوص برگزاری دوازدهمین گردهمایی بین المللی نفرولوژی، دیالیز و پیوند کلیه ایران
۵	تصویب نامه در خصوص برگزاری سومین گردهمایی بین المللی رنگ و پوشش و دومین گردهمایی بین المللی پوششهای خودرویی
۶	تصویب نامه در خصوص برگزاری سومین گردهمایی بین المللی طب روان تنی
۷	تصویب نامه در خصوص برگزاری گردهمایی بین المللی راهکارهای علمی اصلاح الگوی مصرف
۸	تصویب نامه در خصوص برگزاری گردهمایی بین المللی فناوری نانو در محیط زیست
۹	تصویب نامه در خصوص برگزاری گردهمایی بین المللی گیاهان دارویی و معطر و دومین گردهمایی شیمی گیاهان ایران
۱۰	تصویب نامه در خصوص برگزاری گردهمایی بین المللی یکصد و سی و دومین سال تولد علامه اقبال لاهوری
۱۱	تصویب نامه در خصوص برگزاری مدرسه و گردهمایی بین المللی فیزیک نانو ساختارهای گرافین
۱۲	تصویب نامه در خصوص برگزاری هشتمین گردهمایی بین المللی بیماریهای غدد درون ریز و متابولیسم
۱۳	تصویب نامه در خصوص برگزاری هشتمین گردهمایی بین المللی زنان و مامایی ایران
۱۴	تصویب نامه در خصوص برگزاری هفتمین گردهمایی بین المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی
۱۵	تصویب نامه در خصوص تعیین کارگروهی به عنوان نمایندگان ویژه رئیس جمهور جهت تصمیم گیری در مورد نحوه اجرای اختیارات هیئت وزیران در امور نفت

۱۶	تصویب‌نامه در خصوص تفویض اختیارات هیئت وزیران در امور مربوط به حمل و نقل و سوخت و اجرای قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت - مصوب ۱۳۸۶- به کارگروه «توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت»
۱۷	تصویب‌نامه در خصوص کالاها و فرآورده‌های نفتی مشمول حکم بند «د» ماده (۳۳) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی - مصوب ۱۳۸۳-
۱۸	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر چادگان
۱۹	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص تأیید شهر همدان به عنوان کلانشهر
۲۰	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر مرودشت
۲۱	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص مکانیابی شهرک توریستی - تفریحی زراس (واقع در شهرستان ایذه)
۲۲	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر چمران
۲۳	قانون اصلاح ماده (۱۱۷) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران موضوع ماده (۳۶) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳

نظرخواهی

به استحضار قضات و حقوقدانان محترم می‌رساند معاونت آموزش قوه قضائیه قصد دارد در راستای ارتقای سطح آگاهی مخاطبین از قوانین و مقررات و ایجاد سرعت و سهولت در این امر و آسان شدن نگهداری و آرشیو آن، هر ماه قوانین و مقرراتی را که به نحوی در امر قضاوت مورد نیاز است، به صورت ماهنامه منتشر کند. برای تشخیص میزان ضرورت این امر نظرات شما عزیزان معیار است لذا انتظار دارد پاسخ پرسش‌های زیر را به یکی از سه طریق زیر منعکس فرمایید:

الف: تهران- خیابان حافظ - نبش خیابان سمیه - ساختمان شماره سه قوه قضائیه - معاونت آموزش - اداره کل برنامه ریزی و تدوین متون آموزشی

ب: پست الکترونیکی Tadvin_motoon@yahoo.com

ج: نمابر ۸۸۹۱۹۴۱۸ - ۰۲۱

۱- این ویژه نامه نیاز شما را در خصوص اطلاع یابی از تغییرات قوانین و مقررات تأمین می‌کند.

کاملاً موافقم ☐ موافقم ☐ تا حدودی موافقم ☐

۲ - نحوه تبویب و دسته بندی قوانین و مقررات در این ویژه نامه مناسب بوده و موجب سهولت و سرعت یافتن مطالب می‌شود.

کاملاً موافقم ☐ موافقم ☐ تا حدودی موافقم ☐

۳ - اطلاع رسانی تغییرات قوانین و مقررات از طریق این ویژه نامه مناسب تر از دریافت روزنامه رسمی به شیوه معمول است.

کاملاً موافقم ☐ موافقم ☐ تا حدودی موافقم ☐

۴ - اطلاع رسانی تغییرات قوانین و مقررات از طریق این ویژه نامه مناسب تر از مراجعه به سایت‌های مربوط است.

کاملاً موافقم ☐ موافقم ☐ تا حدودی موافقم ☐

۵ - سایر نظرات و پیشنهادهای خود را مرقوم فرمایید.